آثار و بركات سيد الشهدا عليه‌السلام

نویسنده: عليرضا رجالى تهرانى

## مقدمه‏

١- حضرت سيدالشهداء عليه‌السلام ، يك انسان كامل و شخصيتى استثنائى است كه داراى ابعاد وجودى متعددى بوده و در چهره‏هاى گوناگونى براى مردم جهان با مشربهاى مختلف ، جلوه كرده است . از اين رو هر يك از آنها طبق مشرب خود، آثار و بركاتى را براى آن وجود شريف و نهضت مقدسش بيان مى دارند، اما در اين كتاب سعى شده، فارغ از هرگونه انحصارنگرى، به بررسى آثار و بركات سيدالشهدا عليه‌السلام پرداخته شود.

٢- از آنجايى كه سالار شهيدان يك امام است و امامان عليه‌السلام به لحاظ مقام امامت، منشأ خيرات، بركات و آثار بسيارى هستند؛ آن حضرت نيز از آثار و بركات بى‏شمارى برخوردار است . ولى بناى ما در اين مختصر، بيان آثار و بركاتى است كه مى توان با استفاده از شواهد روايى و تاريخى در خصوص ابى عبدالله الحسين عليه‌السلام متذكر شد.

٣- شناسايى و بررسى موقعيت سياسى، اجتماعى و فرهنگى دوران حسين بن على عليه‌السلام مى تواند در بيان و اهميت آثار و بركات آن حضرت و حماسه كربلا، نقش مهمى را ايفا كند، كه اين مسئله نيز سعى شده در كتاب از نظر نگارنده دور نباشد.

٤- اين كتاب كه در نوع خود از اسلوب ، تقسيم و تدوين جديد برخوردار است بدان جهت نگارش يافت كه عاشقان و دوستداران سيد الشهداء عليه‌السلام از آثار، بركات و فوايدى كه آن امام شهيد، در دنيا و آخرت، براى دوستدارانش دارد آگاهى بيشترى حاصل كرده تا درجهت معرفت و ازدياد عشق و محبت به آن حضرت، تلاش جدى‏تر از خود نشان دهند.

٥- اگر چه به نظر مى رسد كه بايد طبق نام كتاب، مطالب، در دوبخش : «دنيا و آخرت» تدوين مى شد؛ ولى به خاطر پرهيز از عناوين تكرارى و جلوگيرى از پراكندگى مطالب، كتاب را به صورت حاضر تدوين كرده و دو مقوله دنيا و آخرت را در هر يك از عناوين كلى داخل نموديم .

٦- نظر به اينكه مقصود نگارنده از نگارش اين كتاب، معرفى و بيان اجمالى آثار و بركات سيدالشهداء عليه‌السلام بوده است ، از شرح و بسط زياد مطالب پرهيز نموده و به عناوين و توضيحى كوتاه بسنده شده است .

٧- به اميد آنكه اين مختصر ، مورد قبول حضرتش واقع شده، و براى عاشقان و دلباختگان آن عزيز ، در جهت شناخت اثرات و بركات وجودى وى مؤثر افتد.

تهران - فروردين ٧٥

عليرضا رجالى تهرانى

## فصل اول :آثار و بركات فردى سيدالشهدا عليه‌السلام

### ١- چراغ هدايت و كشتى نجات

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| من آن نورم كه در شبهاى تاريك  |  | چراغ رهنماى كاروانم  |
| در اين دريا منم آن ناخدايى  |  | كه كشتى را به ساحل مى‏رسانم  |

روايت شده كه امام حسين عليه‌السلام فرمود: «خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله شرفياب شدم در حاليكه ابى بن كعب هم آنجا بود. حضرت رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مرحبا به تو ، اى ابا عبدالله ، اى زينت آسمانها و زمين . ابى گفت : چگونه او زينت آسمانها و زمين است در صورتى كه كسى غير از تو چنين نيست؟ حضرت فرمود: اى ابى ، قسم به كسى كه مرا به حق به نبوت مبعوث كرد، حسين بن على در آسمان بزرگتر از روى زمين است، و همانا بر طرف راست عرش الهى نوشته شده است كه او چراغ هدايت و كشتى نجات است » . ١

يكى از بركات فردى حضرت سيدالشهدا عليه‌السلام اين است كه او «چراغ هدايت» و «كشتى نجات» است . اگر چه همه پيامبران و امامان عليه‌السلام چراغها و انوار هدايت و كشتيهاى نجات و رهايى اند، چنانكه پيامبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: «انما مثل اهل بيتى فيكم كمثل سفينة نوح من دخلها نجا، و من تخلف عنها هلك» .٢

همانا خانداون و اهل بيت من در ميان شما مانند كشتى نوح است كه هر كس داخل آن شود نجات پيدا كرده و هركس كه از آن تخلف كند هلاك خواهد شد.

اما كشتى نجات حسين عليه‌السلام حركتش بر امواج گسترده دريا، سريعتر و لنگر انداختن و پهلو گرفتن آن بر ساحلهاى نجات آسانتر بوده و دايره بهره‏ورى و استفاده از نور مشعل وجود حسين عليه‌السلام وسيعتر است .

در آن زمانى كه امواج بلند و سهمگين فساد و گناه بر پيكره نيمه‏جان جامعه اسلامى، و جان و دل مسلمانان، تازيانه مرگ مى زد و گرداب حوادث و توطئه‏ها و پليديها، خفتگان در بستر غفلت را بى‏رحمانه به قعر تاريكى و تباهى مى كشيد ، اين حسين بود كه با قيام و نهضت الهى خود و شهادت و اسارت اهل بيت خويش ، گرفتاران در اين اوضاع خطرناك را از درياى پر تلاطم ساخته شده به دست فتنه‏گر «بنى اميه» نجات بخشيد و با كشتى رهايى خود ، اين خفتگان و غافلان و گرفتاران را به ساحل نجات رهنمون نمود.

آرى ، حسين عليه‌السلام «مصباح الهدى » است تا در اين ظلمتكده خاك، دليل و راهنماى راه باشد؛ و «سفينة النجاة» است تا در اقيانوس متلاطم فتنه‏ها و ضلالتها، غرق شدگان را كه كشتى شكسته بودند فرياد رس باشد.

### ‏٢- محبت مكنون

از جمله احاديث نبوى كه در واقع بيانگر تأثير پذيرى معنوى مردم از وجود مبارك سيدالشهداء عليه‌السلام مى‏باشد، حديثى است كه فرمود:

«ان للحسين محبة مكنونة فى قلوب المؤمنين ». ٣

در كانون دلهاى مؤمنين ، محبتى نهفته و ويژه نسبت به حسين وجود دارد.

كيست كه نام حسين عليه‌السلام را بشنود و فردى از افراد بشر يا تنى از اولاد انسان باشد و حالت انقلاب و انكسار و دلباختگى براى او فراهم نشود؟ محبت حسين عليه‌السلام دلها را به التهاب در آورده و جگرها را گداخته و مذاب مى‏سازد، و شورش دل و آتش درون را به ريزش قطرات اشك از ديدگان ، آشكارا و عيان مى‏كند.

در كجاى دنيا ديده مى شود كه شيعه و دوستدار حسين در آنجا باشد و اقامه عزاى حسينى نكند . كيست كه پس از دادن عزيزترين محبوب و مطلوب خود به اندك فاصله و مختصر وقت و گذشتن كمتر زمانى، آن مصيبت را فراموش نكند؛ جز مصيبت حسين عليه‌السلام كه با اين همه طول زمان و گذشتن قرنها، روز به روز اين مصيبت تازه‏تر و شور و شراره‏اش بيشتر و بلندتر مى‏گردد. آيا نه اين، جذبه عشق و علاقه و تأثير محبت و فرط دلبستگى و دلباختگى علاقه‏مندان نسبت به آن امام محبوب است؟

و اى بسا ، نامحرمان در برابر عظمت و جلالت حسينى تسليم شده و به تواضع و تكريم در مقابل نام مبارك حسين و جلال و مقام او قد خويش به تعظيم و تسليم خم نموده و به دين و آيين حسينى گراييده و از اكسير محبت او مس خود را طلاى ناب و زر خالص مى‏گردانند.

به راستى، سنت الهى چنين بوده كه محبت امامى كه مسير تاريخ را عوض كرده و دين الهى را نجات مى بخشد به گونه‏اى خاص در دل و جان مسلمين و مؤمنين قرار گيرد، حتى كسانى كه مقابل حسين عليه‌السلام قرار گرفتند به قول فرزدق : «دلهايشان با او بود، اگر چه بر اثر دنيا پرستى شمشيرهايشان بر روى او كشيده شد» . چه رسد به مؤمنينى كه عشق و محبت او با گل آنان سرشته شده است .

حتى محبت حسين عليه‌السلام در دل و جان رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله نيز ريشه دوانيده بود، به طورى كه مى فرمود: «هر گاه كه به فرزندم حسين مى‏نگرم ، گرسنگى و اندوه از وجودم رخت بر مى‏بندد» .٤ و نيز مى فرمود: «بار خدايا ، من حسين را دوست دارم و آنان كه دوستدار او هستند نيز دوست دارم ». ٥

راه حسين عليه‌السلام راه دل است، و هرگاه عاشقى به دل توجه كند او را پيدا مى‏كند . لذا در برخى روايات وارد است كه : «قبر او در دلهاى دوستداران اوست».

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سلام از دور و از نزديك بهر او بود يكسان‏  |  | بلى قبر شريف او دل اهل يقين باشد  |

آرى، دل مؤمن جايگاه تابش نور پر فروغ و احياگر حسين است . و هرگاه عشق و محبت فراتر از آفاق ظاهرى و مادى باشد ، رنگ ابديت به خود مى‏گيرد، زيرا پيوند اين محبت در حريم حب خدا بوده است و بقاى آن به بقاى فيض ذات سرمدى، جاودانه است ، كه گفته‏اند:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اين محبت راز محبتها جداست  |  | حب محبوب خدا حب خداست  |
| شاهى كه نه سپهر از او برقرار شد  |  | ماهى كه مهر و ماه از او كسب نور كرد  |

### سيدالشهدا عليه‌السلام ، پدر امامان نه گانه‏

يكى ديگر از بركات فردى سيدالشهدا عليه‌السلام كه از ارزش معنوى بسيارى برخوردار است ، اين است كه نه امام معصوم عليه‌السلام بعد از او از فرزندان گرامى آن حضرت مى‏باشند ، و نسل امامان به بركت وجود او ادامه يافت . چنانكه از امام باقر و امام صادق عليه‌السلام روايت شده است كه فرمودند: «خداوند عوض قتل امام حسين عليه‌السلام چهار ويژگى به آن حضرت عطا فرموده است : اول - امامت را در ذريه او قرار داده است، دوم - شفا را در تربت آن جناب قرار داده، سوم - كنار و زير قبه او دعا مستجاب مى‏باشد، چهارم - ايام زيارت كنندگان او از عمرشان حساب نمى‏شود». ٦

از طرفى در روايات بر اين امر تصريح شده كه على بن الحسين عليه‌السلام بعد از پدر به امامت رسيده است . چنانكه عبدالله بن عتبه روايت كرده: خدمت امام حسين عليه‌السلام بودم كه پسر كوچكترش «على» وارد شد. (يعنى حضرت سجاد عليه‌السلام كه از على اكبر كوچكتر بوده است . و اين واقعه قبل از تولد على اصغر مى‏باشد). تا آنجا كه مى‏گويد: عرض كردم : اگر آن امرى كه از آن به خدا پناه مى‏برم اتفاق افتاد ، به چه كسى رجوع كنيم؟ (يعنى امام بعد از شما كيست؟) فرمود: به اين پسرم : على ، او امام و پدر امامان است ...» ٧.

روايت در اين زمينه زيادتر از آن است كه در اين مختصر بدانها پرداخته شود، ضمن اينكه ادامه امامت از ذريه امام حسين عليه‌السلام به خاطر مشهور بودن آن ، نيازى به استدلال روايى بيشتر از آنچه ذكر شده، ندارد.

بارى ، استمرار خط مستقيم و هدايتگر امامت به بركت وجود مقدس سيدالشهدا عليه‌السلام است، و اين از بزرگترين بركتهاى فردى و معنوى آن حضرت است .

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| او شفيع است اين جهان و آن جهان  |  | اين جهان در دين و آنجا در جنان  |

‏

‏

### ٤- شفاعت

يكى ديگر از آثار و بركات فردى سيد الشهداء عليه‌السلام كه در نزد شيعيان اهميت و جايگاهى خاص دارد شفاعت در آخرت است .

شفاعت از ماده «شفع» به معنى ضميمه كردن چيزى به همانند اوست، و از اينجا روشن مى شود كه بايد نوعى شباهت و همانندى در ميان آن دو بوده باشد، هر چند تفاوتهايى نيز در ميان آنها ديده شود . به همين دليل، شفاعت به مفهوم قرآنى آن بدين معنى است كه : انسان گنهكار به خاطر پاره‏اى از جنبه‏هاى مثبت (مانند ايمان يا انجام بعضى از اعمال شايسته) شباهتى با اولياى الهى پيدا كند و آنها با عنايت و كمك‏هاى خود ، او را به سوى كمال سوق دهند و از پيشگاه خدا تقاضاى عفو كند. و به تعبير ديگر حقيقت شفاعت، قرار گرفتن موجودى قويتر و برتر، در كنار موجودى ضعيفتر، و يارى رساندن به او براى پيمودن مراتب كمال است .

شفاعت در جوامع انسانى غالباً همان پارتى بازى و استفاده از رابطه است . اما شفاعت مورد نظر در قرآن كريم و روايات اسلامى، متوجه شايستگى‏هاى افراد است نه روابط شخصى بين شفاعت كننده و شفاعت شونده.

شفاعت اقسامى دارد كه برخى از آنها نادرست و ظالمانه است و در دستگاه الهى وجود ندارد، ولى برخى صحيح و عادلانه است و وجود دارد. شفاعت غلط بر هم زننده قانون و ضد آن است، ولى شفاعت صحيح حافظ و تأييد كننده قانون است . شفاعت غلط آن است كه كسى بخواهد از راه پارتى بازى جلوى اجراى قانون را بگيرد. برحسب چنين تصوراتى از شفاعت، مجرم بر خلاف خواست قانونگذار و بر خلاف هدف قوانين اقدام مى‏كند و از راه توسل به پارتى بر اراده قانونگذار و هدف قانون چيره مى‏گردد. اينگونه شفاعت، در دنيا ظلم است و در آخرت غير ممكن . ايرادهايى كه بر شفاعت مى‏شود بر همين قسم از شفاعت وارد است، و اين همان است كه قرآن كريم آن را نفى فرموده است .

شفاعت صحيح، نوعى ديگر از شفاعت است كه در آن نه استثنا و تبعيض وجود دارد و نه نقض قوانين و نه مستلزم غلبه بر اراده قانونگذار است . قرآن اين نوع شفاعت را صريحاً تأكيد كرده است كه اين نيز بر دو قسم‏

است :

١- شفاعت «رهبرى» يا شفاعت «عمل».

٢- شفاعت «مغفرت» يا شفاعت «فضل».

نوع اول شامل نجات از عذاب و نيل به حسنات و حتى بالا رفتن درجات مى‏باشد، و نوع دوم شفاعتى است كه تأثير آن در از بين بردن عذاب و در مغفرت گناهان است، و حداكثر ممكن است سبب وصول به حسنات و ثوابها هم بشود ولى بالا برنده درجه شخص نخواهد بود.

با توجه به آنچه به طور اجمال در خصوص شفاعت گفته شد، لازم به ذكر است كه يكى از شفاعت كنندگان از اهل بيت ، حضرت سيدالشهدا عليه‌السلام است، ولى آن حضرت شفيع كسانى است كه از مكتب او هدايت يافته‏اند، نه شفيع كسانى كه مكتبش را وسيله گمراهى ساخته‏اند.

قرآن و مكتب حسينى ريسمانهايى هستند كه قدرت دارند بشر را از چاه نگون بختى به اوج سعادت بالا برند: يكى «حبل من الله» و دومى «حبل من الناس » است؛ ولى اگر كسى از اين دو حبل الهى سوء استفاده نمود، جرم از ريسمان نيست، علت اين است كه او در سر سوداى بالا رفتن نداشته است، و البته چنين مردمى به وسيله قرآن و مكتب حسينى به قعر دوزخ برده مى‏شوند. ٨

شفاعت به معنى وسيع كلمه ، در هر سه عالم (دنيا ، برزخ و آخرت) صورت مى‏پذيرد ، هر چند محل اصلى شفاعت و آثار مهم آن در قيامت و براى نجات از عذاب دوزخ است ، از اين رو سيدالشهداء هم در دنيا ، هم در برخ و هم در آخرت شفيع دوستداران و شيعيان حقيقى‏اش بوده و خواهد بود.

چنانكه در روايتى از اميرالمؤمنين عليه‌السلام آمده است : «براى ما شفاعت است و براى دوستان ما نيز شفاعت است » .٩ و در روايتى ديگر آمده است : «شافعان امامان هستند و دوستان مؤمنانند» ١٠.

و معلوم است كه امام حسين عليه‌السلام يكى از امامان معصوم بوده كه در قيامت و محشر كبرى از شيعيان و دوستانش شفاعت مى كند . به طورى كه يكى از راويان گويد: روايتى از قول ابى عبدالله الحسين عليه‌السلام به من رسيده بود كه آقا فرموده است : «هر كس پس از مرگ من مرا زيارت كند، پس از مرگش من هم او را زيارت مى نمايم» . اين روايت در ذهن من بود، تا اينكه شبى در عالم واقع ابى عبدالله الحسين عليه‌السلام را ديدم ، گفتم : آقا اين روايت درست است و از شماست ؟ «قال : نعم، و لو كان فى النار اخرجته منها» فرمود: آرى ، هر چند در آتش باشد او را بيرون مى آورم. عرض كردم: آيا از اين به بعد اين روايت را بدون واسطه از خود شما نقل نمايم؟ فرمود:آرى . ١١

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| به محشر كه كسى نيست غمخوار كس  |  | شفيع محبان ، حسين است و بس  |
| ترا ز باب حسينى برند جانب جنت  |  | ترا كه عاشق اويى ، ترا كه شيعه اويى  |

### ٥- دوستداران حسين و دوستان دوستداران او بهشتى‏اند

يكى ديگر از آثار و بركات فردى سيد الشهدا عليه‌السلام كه در سراى ديگر ظهور كرده و جلوه‏نمايى مى‏كند، بهشتى شدن دوستداران و حتى دوستان و دوستداران آن حضرت است. چنانكه حذيفة بن يمان گويد: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را ديدم كه دست حسين بن على عليه‌السلام را در دست خودگرفته بود و مى‏فرمود:

«يا ايها الناس، هذا الحسين بن على فاعرفوه ، فو الذى بيده ، انه لفى الجنة ، و محبه فى الجنة ، و محبى محبيه فى الجنة»١٢.

اى مردم ، اين حسين بن على است ، او را بشناسيد؛ سوگند به آن خدايى كه جانم به دست اوست، به راستى او در بهشت است، و دوستدار او نيز در بهشت است ، و دوستدار دوستدار او نيز در بهشت مى‏باشد.

و از امام موسى بن جعفر عليه‌السلام روايت شده كه فرمود:

«رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله دست حسن و حسين عليه‌السلام را گرفت و فرمود:

«هر كس اين دو پسر و پدر و مادر آنان را دوست داشته باشد، روز قيامت من با من خواهد بود» ١٣.

و نيز رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: «آگاه باشيد، همانا حسين عليه‌السلام درى از درهاى بهشت است، هر كس با او دشمنى كند خدا بوى بهشت را بر او حرام مى‏كند» ١٤.

و معلوم است كه اين مقام عظيم تنها با محبت ظاهرى حاصل نمى‏شود، بلكه مقصود، محبت خاصى است كه مخصوص كسانى مى‏باشد كه در درجات بالاى ايمان هستند. اگر چه دوستى و محبت امامان معصوم و امام حسين عليه‌السلام ثمر بخش است ولى احراز مقام والاى معيت بارسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در بهشت برين ، محبتى فراتر از ظاهر مى‏طلبد.

------------------------------------

پى نوشتها:

١ فرائد السمطين , جوينى خراسانى , ج ٢ ص ١٥٥

٢ فرائد السمطين , جوينى خراسانى , ج ٢ ص ٢٤٦

٣ حماسهء حسينى , استاد شهيد مطهرى , ج ٣ ص ٢٤٧

٤ بحارالانوار , علامه مجلسى , ج ٤٣, ص ٣٠٩

٥ بحارالانوار , علامه مجلسى , ج ٤٣, ص ٢٨١

٦ وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج ١٠ ص ٣٢٩

٧ اثبات الهداة , شيخ حر عاملى , ج ٥ ص ٢١٥

٨ اقتباس از كتاب عدل الهى , استاد شهيد مطهرى , ص ٢٤١تا ٢٤٦

٩ خصال , شيخ صدوق , ص ٦٢٤

١٠ المحاسن , ابى جعفر برقى , ج ١ ص ٢٩٣

١١ نقل از كتاب آيت الله شهيد دستغيب , ص ١٠٥

(#) ـ بيتى از نگارنده .

١٢ بحارالانوار , علامهء مجلسى , ج ٤٣, ص ٢٦٢

١٣ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ٣٢

١٤ سفينة البحار, محدث قمى , ج ١ ص ٢٥٧

## ۲-فصل دوم: آثار و بركات اخلاقى - تربيتى سيد الشهداء عليه‌السلام

### ١- ايجاد اخلاق جديد در جامعه مسلمين‏

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اگر ديدى كه نابينا و چاه است  |  | اگر خاموش بنشینى گناه است  |

يكى از آثار و بركات سيدالشهدا عليه‌السلام در بعد اخلاقى - تربيتى اين است كه قيام او باعث گرديد در جامعه مسلمانان نوعى اخلاق جديد بلند نظرانه پديد آيد و نظر انسان را به زندگى خود و ديگران، دگرگون سازد تا بتواند بدينوسيله جامعه را اصلاح نمايد . و به عبارت ديگر، با خودسازى به ديگر سازى نيز بپردازد.

آرى، در آن زمانى كه بنياد روانى و اخلاقى مردم در هم ريخته و ويران شده بود و اين ويرانى شامل رهبران مسلمين و بزرگان آنان نيز شده بود و با اخلاق و شيوه‏اى وحشتناك زندگى مى‏كردند ، امام حسين عليه‌السلام يگانه درمان آن حالت بيمار گونه را كه در مجتمع مسلمانان مورد قبول واقع شده بود، در قيام آشكار و فرياد درآن سكوت مرگبار ديد. لذا آن حضرت با خون پاك خود و فرزندان و يارانش و با همه اعتبارات احساسى و تاريخى ، حتى شمشير و عمامه جدش رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله ، وارد مبارزه گرديد تا همه روزنه‏ها و راههاى توجيه را فرو بندد.

سيدالشهدا عليه‌السلام نيك دريافته بود كه وجدان شكست خورده و اخلاق پست امت را نمى‏توان به وسيله رويارويى ساده دگرگون ساخت، از اين رو با قيام و شهادت خويش ديرى نپاييد كه اخلاق هزيمت و فرار را به نيرويى عظيم درآورد و اخلاق جديدى به جاى آن جايگزين نمود. به راستى شهادت حسين بن على عليه‌السلام تأثير ژرف و شگرفى بر شيعيان ساكن و ساكت به جاى گذاشت ، و سرنوشت غم انگيز نواده پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله عواطف اخلاقى و مذهبى مردم را به هم ريخت.

در اثر قيام و شهادت امام حسين عليه‌السلام موجى در روح مسلمين به وجود آمد، حميت و عزت، شجاعت و صلابت به وجود آمد،و احساسات بردگى و اسارتى كه از اواخر حكومت عثمان و تمام دوره معاويه بر روح جامعه اسلامى حكمفرما بود، تضعيف شد و ترس آنها را فرو ريخت ، خلاصه، ابا عبدالله عليه‌السلام به اجتماع اسلامى شخصيت داد.

كربلا و قيام سيدالشهدا عليه‌السلام نمايشگاه اخلاق عالى اسلامى و انسانى با همه صفات و طراوت آن بود و اين اخلاق را نه به زبان كه در عمل به خون پاك خويش بر صفحه ماندگار تاريخ به ثبت رسانيد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| از پا حسين افتاد و ما بر پاى بوديم  |  | زينب اسيرى رفت و ما بر جاى بوديم  |

### ٢- احساس گناه در بين مسلمين

يكى ديگر از آثار نهضت و شهادت سيدالشهدا عليه‌السلام اين بود كه مردم پس از مدت كوتاهى متوجه عدم توانايى و ضعف نفس خود شدند، لذا احساس عميق ندامت و گناه كرده و چنين انديشيدند كه براى جبران اين اهمال كارى و غفلت ، و نيز براى طلب بخشايش الهى، بايد جانبازيهاى مشابهى را انجام دهند. و از جمله كارهاى امام زين‏العابدين عليه‌السلام اين بود كه كوشيد اين احساس گناه را شعله‏ور سازد. از اين رو به گروه انبوهى از مردم كوفه نهيب زده و فرمود:

«اى مردم، شما را به خدا سوگند مى دهم، آيا شما فراموش كرديد كه نامه‏ها براى پدرم نوشتيد و چون به سوى شما آمد، به او خدعه و نيرنگ زديد؟! شما با پدرم عهد و پيمان بستيد و با وى بيعت كرديد، اما بيعت خود را شكستيد و او را به قتل رسانديد پس هلاكت بر شما باد و با اين توشه‏اى كه به آخرت فرستاديد هلاكت بر شما باد . چه رأى زشت و پليدى را كه براى خود پسنديديد! آنگاه كه به ديدار پيغمبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏شتابيد و به شما بگويد: «عترت مرا كشتيد ، هتك حرمت مرا كرديد.» با چه ديده‏اى به او نظر خواهيد كرد؟ و سرانجام به شما خواهد گفت : «از امت من نخواهيد بود» ١٥.

اين احساس گناه عامل هميشه شعله‏ورى بود كه مردم را براى شورش و انتقام جويى همواره به جلو مى‏راند.

استاد «عادل اديب» در اين باره مى‏نويسد: شهادت فجيع امام حسين عليه‌السلام در كربلا موجى شديد از احساس گناه در وجدان هر مسلمانى برانگيخت . آنان پى بردند كه مى‏توانستند او را يارى دهند. اما از آن پس كه با او براى قيام پيمان بستند، او را يارى نكردند . اين احساس گناه دو جنبه داشت: از يك طرف انسان را وادار مى ساخت كه گناهى را كه مرتكب شده با كفاره بشويد، و از طرف ديگر نسبت به كسانى كه او را به ارتكاب چنين گناهى واداشته بودند، احساس كينه و نفرت كند. به طورى كه انگيزه انقلابهاى متعددى كه در اثر قتل امام عليه‌السلام برپا شد، همان كفاره يارى نكردن به حضرت او، و انتقام گرفتن از امويان بود .

مقدر چنين بود كه آتش اين احساس گناه، پيوسته برافروخته بماند و انگيزه انتقام از بنى اميه در هر فرصت به انقلاب و قيام بر ضد ستمگران منتهى گردد. ١٦

بارى ، بر اثر شهادت امام حسين عليه‌السلام اين آيه شريفه مصداقى روشن يافت:

«و يوم يعض الظالم على يديه » . ١٧

و روزى كه ستمكار دستهاى خود را از پشيمانى مى‏گزارد.

### ٣-ازدياد محبوبيت سيد الشهداء عليه‌السلام و خاندان وحى‏

سؤمين اثر مهم تربيتى قيام و شهادت سيدالشهداء عليه‌السلام ، بالا بردن محبوبيت خاندان حضرت على عليه‌السلام در اجتماع اسلامى و شناساندن بيشتر و بهتر آنان به مردم بوده است .

مسئله داشتن محبوبيت و قبضه كردن افكار اجتماع از مسائل حياتى و مهمى است كه همواره مورد نظر حكومتها بوده و هست . حكومتها هر چند به طور اكثر تكيه گاه بزرگى جز قدرت ندارند، اما به خوبى مى دانند كه نيرومندتر از قدرت نظامى ، جايگاهى است كه در دلهاى مردم مى‏باشد، وسعى دارند آن را براى خويش به دست آورند . معاويه نيز با همه تلاشهاى شيطانى خود به طور كلى مى خواست دو چيزرا به دست آورد: يكى محبوبيت بخشيدن به خاندان و شجره خبيثه بنى اميه ، و ديگرى سقوط خاندان و شجره طيبه حضرت على عليه‌السلام از محبوبيت . متأسفانه معاويه در اين تلاش خود موفقيت بسيارى هم كسب كرد. اما با ظهور حماسه حسينى و جانبازيهاى مردان راستين خدا، نفوذ معنوى و اعتبار روحانى عميقى براى سيدالشهدا و اهل بيت عليه‌السلام ايجاد نمود . به طورى كه هر چه از آن واقعه مى گذشت مردم بيشترى به خاندان حضرت على عليه‌السلام جذب مى‏شدند اين محبوبيت رفته رفته چنان بالا گرفت كه عده‏اى براى خونخواهى و به نام هوا داران از خاندان رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله دست به قيام زدند.

آرى ، اگر حسين بن على عليه‌السلام پيش از نهضت مردانه‏اش به عنوان امام وقت و سبط پيغمبر و فرزند على و فاطمه، و بزرگترين شخصيت از خاندان وحى شناخته مى‏شد، پس از قيام با حفظ مقامات سابق، به نام عاليترين و كاملترين نمونه مردانگى و مجاهدت و فداكارى در راه خدا و حقيقت شناخته شد.

«مسيوماربين آلمانى» در اين خصوص مى‏نويسد: «مهمترين اثر اين نهضت اين بود كه رياست روحانى كه در عوالم سياست اهميت شايانى داشت، مجدداً به دست بنى‏هاشم افتاد، و به ويژه در بازماندگان حسين عليه‌السلام مسلم گرديد، و چندى طول نكشيد كه (حكومت) ظلم و جور معاويه و جانشيان او منهدم شد و در كمتر از يك قرن قدرت از بنى اميه سلب گرديد. منهدم شدن (قدرت) بنى اميه به قسمى شد كه امروز نام و نشانى از آنها نمودار نيست و اگر در متن كتب تاريخى نامى از اين قوم ذكر شده در تعقيب آن هزاران نفرين و ناسزا هم نوشته شده است، واين نيست مگر به واسطه قيام امام حسين عليه‌السلام و ياران با وفاى او » ١٨.

-------------------------------------

پى نوشتها:

١٥ سيرهء امامان , سيد محسن امين , ص ١٨٨

١٦ زندگانى تحليلى پيشوايان ما, عادل اديب , ص ١٤٩

١٧ سورهء فرقان , آيه ٢٧

١٨ نقل از كتاب درسى كه حسين به انسانها آموخت شهيد هاشمى نژاد, ص ٤٤٥

۳

## فصل سوم: آثار و بركات سياسى - اجتماعى سيد الشهدا عليه‌السلام

### ١- بقاى شريعت اسلام

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| او كشته شد كه دين خدا جاودان شود  |  | جان جهان فداش كه بى مثل و گوهر است  |

اوضاع عمومى اسلام و مسلمين بسيار ناراحت كننده بود . فعاليت‏ها و تبليغات مسموم بنى اميه عليه حضرت على عليه‌السلام و خاندانش ، و نيز تحريفات و بدعتهايى كه زيركانه در اسلام داخل كرده بودند، شرايط را جهت نابودى اسلام و محو نام حضرت محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله آماده كرده بود. خلافت الهى به حكمت سلطنتى و ديكتاتورى تبديل شده بود . روح شريعت اسلام يعنى پرهيزگارى و عدالت، در اجتماع ديده نمى‏شد و از احكام اجتماعى دين فقط جمعه و جماعت، آن هم به صورت تشريفات وجود داشت؛ و گاهى همين صورت تشريفاتى نيز به بدعت و بلكه فسق و فجور مى‏گراييد . اكثر قريب به اتفاق نسل مسلمان كه آن روزها در شبه جزيره عربستان زندگى مى‏كرد، در پايان خلافت عمر متولد و در عصر عثمان پرورش يافته و در آغاز حكومت معاويه وارد اجتماع شده بودند، لذا پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله را زيارت نكرده و شايد بتوان گفت مقام و منزلت خاندان وحى را درك نكرده بودند.

در رأس جامعه‏اى كه دچار بى‏ارادگى و ضعف نفس شده بود، حاكمى فاسق و فاجر چون يزيد لقب شريف اميرالمؤمنين و خليفه مسلمين را به ناحق با خود يدك مى كشيد. يك جوان قمار باز و شرابخوار، بى‏بند و بار و صد در صد اهل دنيا و خوشگذرانيهاى آن بر مردم حكومت مى كرد يك مغز الكلى كه از نظر افكار ، نسبت به اسلام و مقدسات اسلام كمترين عقيده‏اى نداشت، و ميمون بازى و هوسبازى از كارها و تفريحات روزانه‏اش بود . انسانهاى خطرناك و دنيا طلب به فرمان او در تمام استانها و شهرستانها بر اوضاع مسلط و بر دوش مسلمانان سوار بودند.

در چنين وضع خطرناك و دردناكى ، امام حسين عليه‌السلام پاى فشرد و عزم جهاد راسخ كرد و با تعداد معدودى از ياران ، همراه با زنان و كودكان به استقامت برخاست، و چنين فرياد كرد: «آيا نمى‏بينيد كه به حق عمل نمى‏شود و از باطل نهى نمى‏شود؟ در اين هنگام بايد شخص مؤمن حقا و واقعاً طالب لقاى پروردگارش باشد» ١٩.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اگر ديدى كه نابينا و چاه است  |  | اگر خاموش بنشينى گناه است  |

‏

‏بارى، مقاومت و پايدارى سيدالشهدا عليه‌السلام بود كه شريعت اسلام را بعد از اينكه در اثر طغيان معاويه و جور و بيداد او رو به اضمحلال گذارده بود، و تغيير و تبديلى كه او و پسر ناخلفش يزيد در اين دين بنا گذاشته و اساس ديانت را متزلزل بلكه مشرف به انهدام نموده بودند نجات بخشيد. نهضت اين بزرگوار و قيام نيرومندانه‏اش، بقاى دين را باعث گرديده، و با خون خود و اصحاب و يارانش ،گلستان دين را آبيارى و نهال گلستان شريعت را سرسبز و شاداب نمودند . اگر نهضت مقدس حسين نبود از اسلام به غير از اسلام اموى و از دين جز دين يزيدى و دين تشريفاتى چيزى باقى نمانده بود .

«مقرم» در كتاب مقتل خود مى‏نويسد: نهضت حسين عليه‌السلام جزء اخير از علت تامه جهت استحكام مبانى دين بوده، به طورى كه اين نهضت ، بين دعوت حق و حملات باطل، تفرقه و جدايى انداخته ، حق و باطل را از يكديگر جدا نمود . لذا گفته شده است : دين را وجود مقدس محمد ى شروع نموده و بقاى آن به واسطه وجود مبارك امام حسين عليه‌السلامتداوم يافت . «الاسلام نبوى الحدوث و حسينى البقاء» ٢٠

اين بركت بزرگ كه به خاطر وجود شريف حضرت سيدالشهدا عليه‌السلام است، از تفسير بعضى احاديث نبوى نيز به دست مى‏آيد، از جمله اين حديث معروف شريف كه فرمود: «حسين منى و انا من حسين» ٢١.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| حسين از من است و من نيز از حسينم  |  | بفرمود احمد شه عالمين  |

بدين معنى كه امام حسين عليه‌السلام سبط آن رسول گرامى بوده و از زبان مبارك نبوت و انگشت ابهام مقام رسالت تغذيه نموده و رشد و نماى او از شيره جان نبى اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله بوده است ، و از طرفى پيامبر از امام حسين است زيرا دين آن رسول خاتم ، به واسطه امام حسين و فداكارى و جان نثارى او به جهان و جهانيان نفوذ كرده و تجليات و نورافشانى و گيتى شناسى خود را بعد از وفات پيغمبر معظم، به وسيله شهادت و جانبازى و از مال و عيال گذاشتن اين بزرگوار به عالميان جلوه و ظهور داده است .

«واشنگتن ايروينك» مورخ آمريكايى گويد: «براى امام حسين عليه‌السلام ممكن بود كه زندگى خود را با تسليم شدن به اراده يزيد نجات بخشد، ليكن مسئوليت پيشوا و نهضت بخش اسلام اجازه نمى داد كه او يزيد را به عنوان خلافت بشناسد . او به زودى خود را براى قبول هر ناراحتى و فشارى به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنى اميه آماده ساخت. در زير آفتاب سوزان سرزمين خشك و در روى ريگهاى تفتيده عربستان روح حسين فنا ناپذير است . اى پهلوان و اى نمونه شجاعت و اى شهسوار من، اى حسين ». ٢٢

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خون او تفسير اسلام مبين  |  | منجى و احياگر شرع است و دين  |

### ٢- تفسير و احياى اسلام و امر به معروف و نهى ازمنكر

از جمله آثار مهم سياسى - اجتماعى قيام و نهضت حياتبخش حسينى كه به جاى مانده، آشكار ساختن اسلام صحيح و احياى امر به معروف و نهى از منكر بود تا بطلان اسلام انحرافى اموى كه پس از زمان رحلت نبى اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله صورت گرفت، روشن شود.

خاندان بنى اميه در تبليغات خود، خويش را از خاندان رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله قلمداد كرده و اسلام را وارونه به مردم نشان داده بودند و ايشان را در امور دين به ادعاى اينكه اولى الامر واجب الاطاعه هستند در حيرت و سرگردانى گذاشته بودند؛ اما امام حسين عليه‌السلام با قيام خود همه اين توطئه‏ها را به هم ريخت و اسلام اموى و دين يزيدى را از اسلام ناب محمدى جدا ساخت، و با نماز خونين خود در ظهر عاشورا، نماز را اقامه كرده عملاً معنا نمود.

چنانكه در زيارت وارث مى‏خوانيم: «اشهد انك قد اقمت الصلوة و اتيت الزكوة و امرت بالمعروف و نهيت عن المنكر».

بنابراين، نهضت و شهادت سيدالشهداء عليه‌السلام دو معنى داشت:

١- نفى آنچه به نام اسلام مطرح بود، ٢- اثبات آنچه از اسلام فراموش گشته و انكار شده بود - مانند امر به معروف و نهى ازمنكر - و اين هر دو با هم، يعنى «احياى اسلام محمدى».

پس از شهادت امام حسين عليه‌السلام، گروه مكتبى، به حركت توده‏اى مخالف تبديل شد كه بدون استثنا همه مسلمين را در بر گرفت، زيرا مسلمانان به حقيقت اسلام و هدف تفكر مكتبى پى برده بودند، طرز تفكرى كه از روز اول، شعار حكومتى غير منحرف و صالح را فرياد مى‏كرد. در آن زمان، تمام جهان اسلام دريافته بود كه سكوت امت بر انحراف رهبرى، خطايى فاحش به شمار مى‏آيد. زيرا اين سكوت به فاجعه كربلا منجر شد. و همين امر آغازى شد براى انقلابها و امر به معروف و نهى از منكر.

آرى، كار انبيا و اولياى الهى در حقيقت امر به معروف و نهى از منكر و شناساندن معروف و منكر به مردم بوده است، و در اين راستا، نه تنها به سخن بسنده نكردند كه از درگيرى و تحمل سختيها و دشواريهاى آن نيز نهراسيدند. در اين بين رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله شتاب بيشترى به آن دو امر داده و با تلاش و پيگيرى اسلام را پيروز كرد.

اما بعد از رحلت پيغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله ، مردم از خط مستقيم محمدى منحرف شدند و نا اهلان را به خلافت پذيرفتند كه عامل مهم اين مصيبت، جهل مردم و بى توجهى به امر به معروف و نهى از منكر بود. و امام حسين عليه‌السلام با قيام مصلحانه خود احياگر حقيقى اين دو فريضه الهى است. چنانكه سر قيام خويش را «اصلاح نمودن امت جدش و امر به معروف و نهى از منكر» معرفى مى‏نمايد. او با قيام خود به اين دو اصل اسلامى، اعتبار و آبروى شايسته داد و ارزش آنها را در جهان اسلام بالا برد، يعنى در حالى كه ديگران آن را در مرز ضرر شخصى متوقف مى‏كنند و ارزش آن را پايين مى‏آورند، نهضت حسينى مرزى براى آن نمى‏شناسد.

گاهى گفته مى‏شود: فقهاى شيعه شرايطى را براى امر به معروف و نهى از منكر ذكر كرده‏اند كه از آن جمله: ايمنى از ضرر بر جان و مال و ناموس است. پس شهادت حسين عليه‌السلام چگونه امر به معروف و نهى از منكر و يا برانگيزاننده بر آن است؟

در جواب بايد گفت: گاهى اوقات انسان با مسئله‏اى مواجه مى‏شود كه ناچار است بين از خود گذشتگى براى نجات دين و ميهن از نابودى و هلاكت، و به زندگى خويش پرداختن و دين و وطن را رها كردن، يكى را انتخاب كند. و ترديدى نيست كه او بايد شهادت و از خودگذشتگى را اختيار كند. تا عمل كرده باشد به دو قاعده قطعى: «تقديم اهم بر مهم» و «دفع ضرر اشد به ضرر اخف». و چنانكه مى‏دانيم كه در زمان خلافت يزيد به جايى رسيده بود كه قيام امرى واجب و تكليف الهى بود، اگر چه منجر به شهادت حسين عليه‌السلام و اسارت خاندانش گردد. و اگر ايمنى از ضرر، يك واجب مطلق بود و قيدى نداشت، هرگز جهاد در راه خدا بر مسلمانان واجب نمى‏گشت بلكه شهادت در راه خدا معصيت محسوب مى‏شد! و حال آنكه چنين نيست.

استاد شهيد مطهرى (ره) در اين باره مى‏فرمايد: «امر به معروف و نهى ازمنكر در مسائل بزرگ مرز نمى‏شناسد، هيچ چيزى، هيچ امر محترمى نمى‏تواند با امر به معروف و نهى از منكر برابرى كند. نمى‏تواند جلويش را بگيرد. اين اصل داير مدار اين است كه موضوع امر به معروف و نهى از منكر چيست. اينجاست كه مى‏بينيم حسين بن على عليه‌السلام ارزش امر به معروف و نهى از منكر را چقدر بالا برد. همانطور كه اصل امر به معروف و نهى از منكر را چقدر بالا برد. همانطور كه اصل امر به معروف و نهى از منكر، ارزش نهضت حسينى را بالا برد، چون حسين بن على عليه‌السلام فهماند كه انسان در راه امر به معروف و نهى از منكر به جايى مى‏رسد كه مال و آبروى خودش را بايد فدا كند، ملامت مردم را بايد متوجه خودش كند؛ همانطور كه حسين كرد». ٢٣

آرى، به بركت وجود مقدس حسين و نهضت حياتبخش وى و شهادت مظلومانه و در عين حال رسواگر او، حقيقت اسلام تفسير شد و امر به معروف و نهى از منكر احيا گرديد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هرگز فنا نيافت بقاى تو، زانكه يافت‏  |  | آزادگى، بقاى دگر از فناى تو  |

### ٣- دميدن روح استقامت و آزاديخواهى

يكى ديگر ازآثار و بركات سياسى - اجتماعى سيدالشهدا عليه‌السلام اين بود كه نه فقط با حرف كه در عرصه عمل هم روح استقامت و پايدارى وآزاديخواهى و حفظ كرامت و عزت نفس را در كالبد بى‏روح مسلمين در همه اعصار دميد.

سالار شهيدان در برابر نيروى مهيب ستم و قوه قاهره بنى اميه، بالاترين استقامت و مهمترين پايدارى و شهادت را به خرج داده و در مقابل آنان مقاومت كرده و به انسانها درس حريت و آزادگى آموخت. آن حضرت در آخرين لحظات حماسه كربلا با بدنى مجروح و خونين، دشمن را طرف خطاب قرار داده و فرمود: «اى پيروان ابوسفيان، اگر دين نداريد پس در دنيا آزاد مرد باشيد».

حماسه عاشورا سراسر، شعارهاى آزادى‏طلبى و استقامت و عزت نفس است. چنانكه آن حضرت در روز عاشورا ضمن گفتارهاى گرم و آتشين خود فرياد مى‏زد: «اين ناپاك و فرزند ناپاك، مرا بين دو كار مخير ساخت: يا ذلت را بپذيرم و در برابر يزيد تسليم شوم، و يا اينكه كشته گردم و به حكم شمشير تن دهم! اما از ما خاندان پيغمبر ذلت به دور است، نه خدا براى ما ذلت مى‏خواهد و نه پيامبر او و نه مردان پاك دل و مؤمن و نه آن دامنهاى منزهى كه ما را در ميان خود پرورانده است» ٢٤.

آرى، رمز موفقيت و راز پيروزى انسان در هميشه تاريخ بستگى به استقامت و پايدارى در مقابل سختى‏هاى راه دارد و امام حسين عليه‌السلام با استقامت خود در برابر بناى شرك و اساس كفر و الحاد و بذل جان و تمام هستى خود در اين راه مقدس، باعث دميده شدن روح پايدارى و آزادگى در بين مردم گشت، به طورى كه در قيامهاى بعد از آن حضرت اين امر به خوبى مشهود است .

### ٤- قيام حسينى الگوى قيامهاى مقدس ديگر

قيامهاى مقدس بشرى داراى دو مشخصه هستند: اول اينكه آنها براى مقامات عالى انسانيت و توحيد و عدل و آزادى، و براى رفع ظلم و استبداد صورت مى‏گيرند. دوم اينكه، برقى هستند در ظلمتهاى سخت كه معمولاً مورد تصويب «عقلاى قوم!» قرار نمى‏گيرند. قيام امام حسين عليه‌السلام هر دو مشخصه را دارا بود، و يكى از آثار اين قيام، جنبه الگويى آن براى ساير نهضتها و قيامهاى به حق و الهى است. تمام انقلابهاى مقدسى كه در جهان اسلام پس از شهادت حسين عليه‌السلام تا زمان ما به وجود آمد، خمير مايه اصلى آن، قيام آن حضرت بوده و هست و خواهد بود، قيامى كه الهام بخش همه نهضتهاى اصيل رهايى بخش گرديد. و اين اصلى است كه خود امام حسين عليه‌السلام در «بيضه» - يكى از منازل بين مكه و كربلا - به همراهان و ياران خويش فرمود: «ولكم فيه اسوة»٢٥ در من براى شما نمونه و الگويى است. و چنانكه مى‏دانيم اين الگو، قيام بر عليه ظلم و فساد است، همان امرى كه باعث گرديد خداوند متعال رسولش را در قرآن براى انسانها اسوه و الگو معرفى كند. و رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: «براى شهادت حسين عليه‌السلام حرارتى در دلهاى مؤمنان است كه هرگز سرد و خاموش نمى‏شود» ٢٦.

«استاد حسن ابراهيم» در اين رابطه مى‏گويد: «كشته شدن امام حسين عليه‌السلام در تهييج شيعيان و وحدت بخشيدن به آنها تأثير بسيارى داشت. قبل از اين رخداد، شيعيان پراكنده بودند؛ زيرا شيعه گرى با خون آميخته گشت و در اعماق قلوب شيعيان، نفوذ كرد و عقيده راسخ آنان شد» ٢٧.

اثرات نهضت امام حسين از خود دستگاه اموى و دشمنان حضرت شروع شد. درست مثل آبى كه با حرارت رو به جوشيدن مى‏رود، پس از به جوش آمدن، نخست حبابهايى از ته ديگ بالا آمده و در روى آب مى‏تركد، پس از آن كم كم جوشيدن آغاز مى‏گردد. انقلاب يك جامعه بر عليه دستگاه ظلم نيز به همين شكل است، اول انتقادها و فريادهاى عدالتخواهى و تظلم كه به حكم حبابهاى ته ديگ هستند از گوشه و كنار كشور بر مى‏خيزند و رفته رفته جان گرفته و ديگ جامعه جوشيدن آغاز مى‏كند و دستگاه ستم را آنقدر بالا و پايين مى‏برد كه به صورت كف بى‏ارزشى بر روى زمين مى‏ريزد.

بارى، بعد از شهادت امام حسين عليه‌السلام بلافاصله اين فريادها و انتقادها كه مقدمه فرو ريختن اركان حكومت منحوس بنى اميه بود بلند شد. «سنان بن انس» هنوز از قتلگاه امام بيرون نرفته بود كه يارانش به او گفتند: تو حسين بن على، پسر پيغمبر، دختر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را كشتى! تو مردى را كشتى كه از همه عرب بزرگتر است و آمده بود تا حكومت را از دست بنى اميه بگيرد! اكنون پيش امراى خود برو و پاداش خود را بگير و بدان كه اگر تمام موجودى خزانه‏هاى خودشان را در برابر كشتن حسين به تو بدهند باز هم كم است. ٢٨

و نيز«حميد بن مسلم »گويد: زنى را از طايفه «بكر بن وائل» كه به همراه شوهرش بود در ميان اصحاب عمربن سعد ديدم كه چون ديد مردم ناگهان بر زنان و دختران حسين عليه‌السلام تاختند و شروع به غارت و چپاول نمودند، شمشيرى به دست گرفت و رو به خيمه آمد و صدا زد: «اى مردان قبيله بكر، آيا لباس از تن دختران رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به يغما مى‏رود؟ مرگ بر اين حكومت غير خدايى، اى قاتلان رسول خدا» در اين هنگام شوهرش دست او را گرفته و به خيمه برگرداند. ٢٩

اينها و موارد بسيار ديگر، نخستين عكس العمل‏هاى مردم از واقعه جانسور كربلا بود كه رفته رفته به وسعت آن افزوده مى‏گشت، تا جايى كه روح انقلاب در مكتب اسلام دميده شد ومردم هرگاه رهبر لايقى مى‏يافتند بر عليه حكومت نامشروع و فاسد بنى اميه دست به قيام مى‏زدند، و شعار غالب انقلابها «خونخواهى حسين» بود. شمار اين انقلابها زياد است كه ما در اينجا به چند نمونه اشاره مى‏كنيم.

١- انقلاب توابين: اين انقلاب در كوفه بر پا گرديد و واكنش مستقيم قتل امام بود، و انگيزه آن، احساس گناه به علت يارى نكردن امام پس از آنكه كتباً از او دعوت كردند به كوفه آيد - بود. لذا كوفيان خواستند ننگى را كه مرتكب شده بودند با انتقام از قاتلان آن حضرت بشويند و دست به قيام زدند. اين واقعه در سال ٦٥ هجرى روى داد.

٢- انقلاب مدينه: هدف اين انقلاب خونخواهى نبود بلكه انقلابى بود عليه حكومت ستمكار بنى اميه. شركت كنندگان در اين قيام يك هزار تن بودند كه به دست سپاهيان شام و با نهايت وحشيگرى سركوب گرديد.

٣- قيام مختار ثقفى: اين قيام در سال ٦٦ هجرى در عراق به انگيزه خونخواهى امام حسين عليه‌السلام و انتقام از قاتلان او صورت گرفت. اين انقلاب به رهبرى مختار توانست در يك روز دويست و هشتاد تن از قاتلان امام حسين عليه‌السلام را به قتل رساند.

٤- انقلاب مطرف بن مغيره: وى در سال ٧٧ هجرى بر عليه حجاج بن يوسف شوريد و عبدالملك بن مروان را از خلافت خلع كرد.

٥- انقلاب ابن اشعث: او نيز بر عليه حجاج در سال ٨١ هجرى شوريد و عبدالملك مروان را از خلافت خلع كرد. اين شورش تا سال ٨٣ به طول انجاميد . در آغاز، پيروزيهاى نظامى به دست آورد اما بعدها شكست خورد.

٦- انقلاب زيد بن على : وى كه از فرزندان امام زين‏العابدين عليه‌السلام بود در سال ١٢٢ هجرى در كوفه قيام كرد، اما بي درنگ به وسيله سپاهيان شام كه در آن هنگام در عراق بودند سركوب گرديد.

٧- قيام حسين بن على ، شهيد فخ : «فخ» نام وادى و محلى است در قسمت غربى و يك فرسخى شهر مكه، و آن جايى است كه حسين بن على (صاحب فخ) بر عليه حكومت عباسى در سال ١٦٩ هجرى قيام كرد و با ياران خويش به شهادت رسيد. وى يكى از سادات و علماى اسلام بود كه براى عظمت تشيع با خون خويش پس از حدود يك قرن از ماجراى كربلا اثرى عميق در عالم تشيع بجاى گذاشت.

اين انقلابها و انقلابهاى ديگر، نقش مهمى در برابر حكومتهاى ناشايست وقت از نظر محفوظ ماندن ظواهر اسلام و نام مقدس پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله و رعايت حقوق مردم ايفا كردند. و اين نهضتها خود يكى از آثار مهم و ثمرات نهضت ريشه‏دار و عميق سيدالشهدا عليه‌السلام بود . در زمان كنونى نيز خواستگاه انقلاب اسلامى ايران ،مجالسى بود كه به جهت بزرگداشت حماسه حسينى و واقعه عاشورا اقامه مى‏گرديد.

قيام حسينى نه تنها براى مسلمين بلكه براى غير مسلمانان نيز كه به دنبال رهايى از ظلم و ستم بوده و هستند، سرمشق قرار مى گيرد. «مهاتما گاندى» مى گويد: من زندگى امام حسين عليه‌السلام آن شهيد بزرگ اسلام را به دقت خوانده‏ام و توجه كافى به صفحات كربلا نموده‏ام و بر من روشن شده است كه اگر هندوستان بخواهد يك كشور پيروز گردد، بايستى ازامام حسين عليه‌السلام پيروى كرده و سرمشق بگيرد. ٣٠.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| حسين ، كشته ديروز و رهبر روز است  |  | قيام اوست ، كه پيوسته نهضت آموز است  |
| خون او تفسير اين اسرار كرد  |  | ملت خوابيده را بيدار كرد  |

‏

### ٥- بيدارى خفتگان

از جمله آثار و بركات ديگرى كه قيام و شهادت سيدالشهدا عليه‌السلام در بعد سياسى - اجتماعى داشت، بيدار شدن خفتگان و انتقال روح مبازره جويى بر عليه ظلم و ستم بوده و هست.

براى تنوير ذهن و تصوير مطلب، لازم است به طور اجمال اشاره‏اى به وضعيت جامعه اسلامى آن دوران داشته باشيم . مردم آن زمان به چند دسته تقسيم مى شوند:

دسته اول: كه قسمت عمده مردم را تشكيل مى داد، كسانى بودند كه در مقابل فساد معاويه ، اراده خود را از دست داده بودند و به پستى و خوارى ناشى از فساد كه پيرامون خلافت اسلامى را فرا گرفته بود تن در داده بودند.

دسته دوم : كسانى بودند كه منافع خصوصى خود را بر رسالت و امامت ترجيح مى دادند. اين دسته بر خلاف دسته اول فارغ از ظلم و انحراف بنى اميه بودند و آن را احساس نمى‏كردند.

دسته سوم : ساده لوحانى كه فريب فرمانروايان بنى اميه را خورده بودند. و اگر نبود قيام و مقاومت امام حسين و اصحاب راستين پيامبر به رهبرى اهل بيت عليه‌السلام ، ساده لوحان بسيارى فريب خورده و مى‏گفتند كه اگر اين دستگاه سلطنتى و كارهاى آن قانونى نبود، صحابه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله خاموش نمى‏نشستند.

دسته چهارم: كسانى بودند كه مى‏پنداشت امام حسن عليه‌السلام خلافت را به معاويه واگذار كرده و با وى به خاطر اوضاع و احوال پيچيده زمان سازش نموده است ! زيرا اگر چه براى مردم كوفه و عراق كه از نزديك در جريان بودند، ماجراى صلح تحميلى آشكار بود؛ اما مسلمانانى كه در گوشه و كنار جهان اسلامى آن روزگار پراكنده بودند - مانند مردم خراسان - و از دور دستى بر آتش داشتند از ابعاد مسئله بى‏خبر بودند از اين رو امام حسين عليه‌السلام با قيام خونين خود ثابت كرد كه صلح برادرش به معناى كناره‏گيرى از رسالت اهل بيت عليه‌السلام نيست.

گذشته از اين چهار دسته كه در واقع جملگى در خواب خرگوشى مشترك بودند، دو دسته ديگر يعنى پيروان بنى اميه و ياران حقيقى امام حسين عليه‌السلام نيز وجود داشتند . زيرا اگر چه اصحاب سيدالشهداء بسيار اندك بودند ولى قابل ذكر است كه برخى از شيعيان و علاقه‏مندان امام در ساير ايالتهاى اسلامى بودند و پس از اطلاع يافتن از دعوت حضرت، خواستند به او لبيك گويند ولى مركز كوفه تحت كنترل شديد نظاميان عبيدالله بن زياد بود و به هيچ وجه نمى گذاشتند كسى از آن خارج يا به آن وارد شود، و بسيارى از مسلمانان نيز در مناطق دور دست از اين فاجعه به كلى بى خبر بودند كه حساب آنها با سايرين جدا است .

با توجه به آنچه به طور اجمالى بيان شد، معلوم مى گردد كه مردم كوفه تا چه حدى در خواب خرگوشى فرو رفته بودند . كه تمام فريادهاى امام و يارانش را نشنيده گرفته و آسايش و رفاه طلبى ، آنان را از هر نوع كمكى در راه نجات اسلام از انحراف باز مى داشت .

در آن شرايط ، انقلاب خونين سيدالشهدا عليه‌السلام تمام معادلات سياسى دشمنان را بر هم زد و اوضاع اجتماعى آن زمان را دگرگون ساخت . جانفشانى شخصيت منحصر به فردى چون امام حسين عليه‌السلام كه از نخبگان و برگزيدگان و پيشواى على الاطلاق مسلمانان بود و با فضيلت‏ترين و نزديكترين آنها به پيامبر اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله بود از طرفى خدايى بودن حركت مصلحانه سيدالشهدا عليه‌السلام و گذشتن از همه هستى خود از طرف ديگر، و عمق فاجعه و مظلوميت آن امام عزيز از ناحيه سوم باعث گرديد زنگ بيدار باش، خواب سنگين مردم را بر هم زند و مردگان را احيا كند، و درخت اسلام را كه به پژمردگى روى آورده بود، با خون خود آبيارى كند و آنچنان طراوت و شادابى بخشد كه تا ابد سر سبز و خرم باقى ماند.

در آن عصر قحطى حق جويان و حق مداران ، كه ظلم و شرك و فساد، در پناه سرنيزه و كشتار، حكومت مى‏كرد و سكوت بود و سكون ! حسين تازيانه فرياد بلند كرد و بر پيكر خفته ، بلكه مرده امت فرود آورد و چنان شور و حركتى آفريد كه آن مردم را بيدار بلكه زنده نمود، و با اين بيدارى از آنها پاسدارى از انقلاب محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله و عدل على و صبر حسن عليه‌السلام ، و معناى قرآن و رسالت اسلام و خون خويش را طلب نمود.

خون امام حسين عليه‌السلام همانند آب حياتى بود كه در كالبدهاى مرده و خشك و مأيوس جريان پيدا كرد و منشأ قيامهاى بسيارى شد . و به راستى مى توان گفت كه عصر عاشورا پايان نهضت امام حسين عليه‌السلام نبود بلكه آغاز حركت و اول بيدارى ملت اسلام خصوصاً شيعيان بود.

«فليپ حتى» در كتاب تاريخ عرب مى نويسد: «فاجعه كربلا، سبب جان گرفتن و بالندگى شيعه و افزايش هواداران آن مكتب گرديد. به طورى كه مى توان ادعا كرد كه آغاز حركت شيعه و ابتداى ظهور آن، روز دهم محرم بود».٣١

و «گيبون» مورخ مشهور گويد: «در طى قرون آينده بشريت و در سرزمين‏هاى مختلف ، شرح صحنه حزن آور مرگ حسين عليه‌السلام موجب بيدارى قلب خونسردترين قاريان و خوانندگان خواهد شد». ٣٢

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بر لوح فتحنامه او شد شكست او  |  | مرد حق از شكسته شد هم مظفر است‏  |

### ٦- شكست يزيدو يزيديان‏

با توجه به مفهوم پيروزى و شكست ، به اين نتيجه مى رسيم كه پيروزى آن نيست كه انسان از ميدان نبرد سالم به در آيد و يا دشمن خود را به خاك هلاكت افكند، بلكه پيروزى آن است كه هدف خود را پيش ببرد و دشمن را از رسيدن به مقصود خود باز دارد. اميرالمؤمنين عليه‌السلام در اين خصوص فرموده است : «ما ظفر من ظفر الاثم به ، و الغالب بالشر مغلوب» ٣٣ كسى كه گناه بر او پيروز شد، شكست مى خورد و كسى كه از راه بدى بر دشمن ظفر يافت در واقع مغلوب است ». از اين رو اگر چه امام حسين عليه‌السلام و يارانش پس از يك نبرد خونبار و قهرمانانه به نور عظيم شهادت رسيدند، اما آنها هدف مقدس خود را به تمام معنى از آن شهادت پر افتخار گرفتند. و هدف اين بود كه به تكليف عمل شده و ماهيت حكومت ارتجاعى و ضد اسلامى اموى آشكار شود و افكار عمومى مسلمين بيدار گردد، كه اين هدف به خوبى انجام گرفت .

رسوايى سران اموى و قاتلان امام حسين عليه‌السلام به حدى بالا گرفت كه سرانجام پس از گذشت چند سال نه تنها هيچ كس از آل اميه جرأت نداشت نسبت خود را آشكار سازد بلكه بدنهاى مردگان آنها را هم از قبر بيرون كشيدند و با آتش سوزاندند . آرى، راه پيشرفت و پيروزى كه داشت با سرعت فراوان براى آن دودمان كثيف در بين امت هموار مى شد، بعد از واقعه كربلا يكباره درهم ريخت و با رسوايى بسيار، بساط ابوسفيانيان برچيده گشت.

«استادنيكلسون » گويد: «حادثه كربلا، حتى مايه پشيمانى و تأسف امويان شد، زيرا اين واقعه، شيعيان را متحد كرد و براى انتقام امام حسين، هم صدا شدند و صداى آنان در همه جا و مخصوصاً عراق و ايرانيانى كه مى‏خواستند از نفوذ عربها آزاد شوند انعكاس يافت».٣٤

يكى ديگر از شواهد شكست يزيديان و بنى اميه ، زمانى است كه امام سجاد عليه‌السلام در كوفه خطبه خواند و ماهيت پليد دشمنان خدا را براى مردم خفته و فريب خورده آشكار كرد. لذا مردم يك زبان عرض كردند:

«اى فرزند رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله ، همه ما شنوا و مطيع و حافظ عهد و پيمان تو هستيم ، از تو روى بر نگردانده و تو را ترك نخواهيم كرد، پس خدا تو را رحمت كند، به ما دستور بده كه همانا با دشمن تو دشمن و با دوست تو دوستيم ، تا يزيد را بگيريم و از كسانى كه به تو و ما ظلم نمودند، دورى بجوييم » .٣٥

آرى ، امام حسين را كشتند، اما حسين كه فقط جسم نيست، امام حسين يك مكتب است كه بعد از مرگش زنده‏تر شد. و اگر چه در كربلا قيام قامت امام حسين عليه‌السلام را در خون كشيدند ، و ناى حقيقت گوى او را بريدند، اما در حقيقت امام حسين زنده‏تر شد، او بزرگ مردى است كه با شهادتش حركتى عظيم و تحولى بزرگ در تاريخ ايجاد كرد و يزيد و يزيديان را رسوا نمود.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| (حسان )، حسين ، به ظاهر اگر چه شد مغلوب  |  | شكست اوست، كه در هر زمانه پيروز است  |
| زخون سرخ قلبت ، نورى جهيدن گرفت  |  | كه ظلمت جهل را ، صاعقه آسا برد  |

‏

### ٧- رهايى از جهالت و ضلالت

هفتمين اثر و بركت از آثار و بركات اجتماعى نهضت سيد الشهداعليه‌السلام اين بود كه با قيام و شهادت خويش مردم را از جهالت و گمراهى نجات بخشيد. او خون دل خويش را در راه خدا بذل كرد تا امت را از حيرت ضلالت و جهالت كه در اثر تسلط و تبليغات مسموم بنى اميه پيش آمده بود برهاند. چنانكه در زيارت اربعين امام حسين عليه‌السلام مى خوانيم :

«و بذل مهجته فيك ، ليستنقذ عبادك من الجهالة و حيرة الضلالة».

و حسين عليه‌السلام خون قلب خود را در راه تو بذل كرد تا بندگانت را از جهالت و حيرت گمراهى برهاند.

استاد شهيد مطهرى (ره) در توضيح فراز مذكور مى فرمايد: «مقصود از جهالت مردم اين نبود كه چون مردم بى‏سواد بودند و درس نخوانده بودند مرتكب چنين عملى شدند، و اگر درس خوانده و تحصيل كرده مى‏بودند نمى‏كردند . نه ، در اصطلاح دين، جهالت، بيشتر در مقابل عقل گفته مى‏شود و مقصود آن تنبه عقلى است كه مردم بايد داشته باشند (و به تعبير ديگر قوه تجزيه و تحليل قضايايى مشهود و تطبيق كليات بر جزئيات است و اين چندان ربطى به سواد و بى‏سوادى ندارد . علم، حفظ و ضبط كليات است و عقل قوه تحليل است). به عبارت ديگر، امام حسين عليه‌السلام شهيد فراموشكارى مردم شد، زيرا مردم اگر در تاريخ پنجاه - شصت ساله خودشان فكر مى كردند و قوه تنبه و استنتاج و عبرت گيرى در آنها مى بود و به تعبير سيدالشهدا عليه‌السلام كه فرمود: «ارجعوا الى عقولكم» اگر به عقل و تجربه پنجاه - شصت ساله خود رجوع مى‏كردند و جنايتهاى ابوسفيان و معاويه و زياد در كوفه و خاندان اموى را اصولا فراموش نمى‏كردند و گول ظاهر فعلى معاويه را كه دم زدن از دين به خاطر منافع شخصى است نمى خوردند و عميق فكر مى‏كردند كه آيا امام حسين عليه‌السلام براى دين و دنياى آنهابهتر بود يايزيد و معاويه و عبيدالله ، هرگز چنين جنايتى واقع نمى شد...» ٣٦.

آرى ، امام حسين عليه‌السلام با نهضت مقدس خويش در آن ظلمت سخت و در ميان يأسها و نااميديهاى مطلق، و در موقعى كه ستاره‏اى در آسمان بشريت ديده نمى‏شد، مانند برقى درخشيد و مانند شعله‏اى حقانى فرا راه آدميان ظاهرگشت . او به خوبى مى دانست كه تنها مردم نادان و گمراهند كه آلت دست حكومتهاى ستمكار و بيدادگر و فاسد واقع مى شوند ، به همين خاطر با بذل خون پاك خويش سعى كرد ملت جاهل و گمراه را از آن وضع خطرناك و دردناك نجات بخشد. لذا امام صادق عليه‌السلام در فراز مورد بحث، هدف قيام حسينى را تنها فدايى امت گنهكار بودن و شفاعت از آنان در قيامت بيان نمى‏كند ، بلكه مى‏فرمايد: هدف، نجات دنياى انسانيت از جهالت و ضلالت بود.

-------------------------------------

پى نوشتها:

١٩ بحارالانوار , علامهء مجلسى , ج ٤٤ ص ٣٨١

٢٠ نقل از كتاب ابوالقاسم سحاب , ص ٢٢

٢١ كشف الغمة , علامه اربلى , ج ٢ ص ٦

٢٢ به نقل از كتاب شهيد هاشمى نژاد, ص ٤٥٠

(#) ـ بيتى از نگارنده .

٢٣ حماسهء حسينى , شهيد مطهرى , ج ٢ ص ١٣٠

٢٤ تحف العقول ,محدث حرانى , ص ٢٧٥

٢٥ تاريخ طبرى , ج ٧ ص ٣٠٠

٢٦ جامع احاديث الشيعه , ج ١٢ ص ٥٥٦

٢٧ ترجمهء تاريخ سياسى اسلام , ج ١ ص ٣٥١

٢٨ تاريخ طبرى , ج ٤ ص ٣٤٧

٢٩ ترجمهء لهوف سيد بن طاووس , ص ١٣٢

٣٠ نقل از كتاب شهيد هاشمى نژاد, ص ٤٤٧

٣١ درسى كه حسين (ع ) به انسانها آموخت , شهيد هاشمى نژاد, ص ٤٤٨

٣٢ همان مأخذ.

٣٣ نهج البلاغه , صبحى صالح , حكمت ٣٣٣

٣٤ ترجمه تاريخ سياسى اسلام , ج ١ ص ٣٥٢. به نقل از كتاب ماهيت قيام مختار , ص ٢٠١

٣٥ بحارالانوار , علامه مجلسى , ج ٤٥ ص ١١٢

(#) ـ بيتى از نگارنده .

٣٦ حماسهء حسينى , استاد مطهرى , ج ٣ ص ٤٧

## ۴-فصل چهارم: آثار و بركات زيارت سيدالشهداء عليه‌السلام

### سخنى پيرامون زيارت سيدالشهدا عليه‌السلام

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اى غمين ز اشتياق حضرت او  |  | روز و شب مايل به زيارت او  |
| تو از او دور نيستى بالله  |  | «قبره فى قلوب من والاه »  |

در طول تاريخ انسانهايى بوده و هستند كه پس از مرگشان ، زندگى و حياتشان ادامه پيدا كرده و با مرگ بدنشان ، وجودشان و شخصيت و انديشه‏شان ادامه يافته است . مردان خدا و شخصيتهاى الهى، همانگونه كه در زمان حيات خويش استوانه دين و محور انسانيت و پشتوانه حق و عدالت هستند ، در زمان پس از مرگ نيز آرامگاه و زيارتگاهشان پشتوانه حق و عدالت و فضيلت است . و در اين ميان ، زيارت مشهد حسينى از ويژگيهاى برجسته‏اى برخوردار است . آنانكه توفيق پيدا مى كنند و به زيارت مرقد مطهرش مشرف مى شوند ، روى به آستان امام حسين عليه‌السلام آورده و به جانب اين مدرسه عشق و فضيلت و دانشگاه كمال و تربيت مى‏گرايند . اينگونه تربيت اجتماعى و يك چنين موسسه تهذيب اخلاق و ادب ، براى هيچ ملتى از ملل گيتى ميسر و مقدورنيست .

البته ملحدين و معاندين و مخالفين مكتب تشيع به خيال خود شبهات و اشكالهاى مى كنند و مى گويند: «زيارت قبور، بت پرستى است ؟!» در حالى كه هر كس كه به زيارت قبور ائمه عليه‌السلام مى رود هرگز به عنوان «بت» آنها را زيارت نمى‏كند . چه كسى است كه حسين بن على عليه‌السلام راخدا بداند؟!! شيعه، امام را مقرب درگاه خدا مى‏داند و با توسل به او قربى به خدا پيدا مى كند، همانطور كه خودش در قرآن مجيد فرمود:«به سوى او وسيله بگيريد» ٣٧ امام را وسيله الهى مى‏داند. زيرا توسل و شفاعت، بعدى از ابعاد زيارت است كه زائر از اين طريق خود را به درگاه الهى نزديك مى‏كند، و پيشوايان ما وعده فرموده‏اند كه از زائران خود دستگيرى كنند.

امام رضا عليه‌السلام مى فرمايد: «هر امامى بر گردن دوستان و پيروانش عهد و پيمانى دارد و وفاى به اين عهد، زيارت قبر آنان ممكن مى‏باشد . و كسى كه به شوق زيارت آنها و با تصديق به فضيلت آنها به سوى قبور آنها برود مورد شفاعت ائمه در قيامت قرار مى‏گيرد.

پس هر زائرى بايد بكوشد تا از اين شفاخانه فيض، استشفاى دردهاى درونى و امراض قلبى و اندرونى خود را خواسته، خواستار آن شود كه صفاى دل و دوستى خاطر و پاكيزگى روح و قداست روان و سلامت تن ، از خدمت آفريدگار جهان به وى عطا گردد ، تا اينكه هم ظاهر او به جمال و كمال آراسته شود و هم باطن وى از آلودگى‏ها پاك و مصفا گردد.

هر زائرى كه با معرفت و شناخت مقام صاحب اين مرقد و اهداف او به زيارت برود، از صاحب قبر الهام مى‏گيرد و اصول و تعاليم مكتب را به ياد مى‏آورد ، و هر زيارت و سلام او سرشار از اين آموزشها و الهام‏ها است.

از طرفى زيارتنامه‏هاى وارده، و خواندن هر كدام از آنها، خواننده و زائر را به دقت و تفكر واداشته ، متذكر تاريخ و احوال انبيا و اولياى معصوم مى‏گرداند. تأمل در زيارت عاشورا و ديگر زيارات ، اين مطلب را به خوبى روشن مى سازد كه امامان به اين وسيله در صدد ساختن انسانهاى مؤمن و متعهد بوده‏اند ، لذا به آنها تعليم داده‏اند كه در زيارت امام حسين عليه‌السلام از خداوند بخواهند كه زندگى و مرگشان را «حسين گونه» قرار دهد، و آنها را در دينا و آخرت همراه آن حضرت بدارد: «اللهم اجعل محياى محيا محمد و آل محمد ، و مماتى ممات محمد و آل محمد ... و ان يجعلنى معحكم فى الدنيا و الاخرة».

به اميد به اينكه خداوند متعال توفيق زيارت حضرتش را در دنيا و شفاعتش را در روز قيامت نصيب ما گرداند، به آثار و بركاتى كه زيارت سيدالشهدا عليه‌السلام به دنبال دارد مى‏پردازيم:

### ١- آرامش بخشيدن به زائر

قبل از آنكه به آثار و بركاتى كه برگرفته از روايات اسلامى است اشاره كنيم ، اين نكته لازم به ذكر است كه زيارت مرقد شريف امام حسين عليه‌السلام مانند ساير ائمه ، به مردمان و زيارت كنندگانش ، نوعى آرامش و اطمينان مى‏بخشد . در اين عصر كه انسان را موجودى مضطرب مى نامند، و پيوسته دست به گريبان با پديده‏هايى چون ترديد، ناكامى، تشويش، ترس و ناسازگارى با محيط و زندگى ماشينى و محروميت و جنگ و حتى كنار نيامدن خود است، و هر روز شاهد كاهشها و فرسايشها است و نمى تواند از اضطراب در امان بماند ، اين زيارت مرقد مردان خدا و پيشوايان دين است كه به انسان آرامش خاطر مى دهد.

در زيارت يك نوع كشش و نياز الزام آورى انسان را وا مى‏دارد كه فشارها و فريادهاى درونى را از راهى خارج كند . زائر آن مرقد شريف در پرتو دعا و گفتگو با پاكان و استمداد از ارواح پاك مقربان درگاه الهى، نيرو گرفته و نابسامانيها را با توسل بدانها برخود هموار مى سازند ، و خستگى‏ها و فشارهاى وارد بر روان ، و نيز اضطرابها و يأسها را از خودمى زدايند و به آرامش و اطمينانى براى ادامه زندگى دست مى‏يابند.

### ٢- در امان خدا بودن

به امام صادق عليه‌السلام عرض كردند: كمترين اثرى كه براى زائر قبر امام حسين عليه‌السلام چيست؟ فرمود: «كمترين تأثيرش اين است كه خداوند متعال، او و خانواده و مالش را حفظ مى كند تا به سوى اهل خويش برگردد ،و چون روز قيامت فرا رسد، خداوند حافظ او خواهدبود ».٣٨

### ٣- زائر خدا محسوب شدن

زيد بن شحام گويد: به امام صادق عليه‌السلام عرض كردم : براى زائر قبر امام حسين عليه‌السلام چه مى‏باشد؟ فرمود: «همانند كسى است كه خدا را در عرش ديدار نموده باشد». گفتم: براى كسى كه يكى از شما را زيارت كند چه مى‏باشد؟ فرمود:

«همانند كسى است كه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را زيارت نموده است » . ٣٩

### ٤- برآورده شدن حاجات و دفع پريشانى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: «همانا نزد شما قبرى است كه هيچ فرد پريشانى نزد آن نمى‏آيد مگر آنكه خداوند از او دفع پريشانى نمايد و حاجتش را برآورد» . ٤٠

و نيز به ابوصباح كنانى فرمود: «همانا نزد شما قبرى است كه هيچ فرد پريشانى نزد آن نمى‏رود مگر آنكه خداوند از او پريشانى را دفع نموده و حاجتش را برآورده مى نمايد، و همانا نزد او چهار هزار فرشته هستند كه از هنگام شهادتش آشفته و غم آلود تا روز قيامت بر او مى‏گريند. هر كس او را زيارت كند، وى را تا خانه‏اش بدرقه مى‏كنند، و هر كه مريض شود به عيادتش مى‏روند، و هر كه بميرد جنازه‏اش را تشييع مى‏كنند». ٤١

### ٥- زيادتى در عمر و رزق

امام باقر عليه‌السلام فرموده است : «شيعيان ما را به زيارت قبر حسين عليه‌السلام امر كنيد ، زيرا زيارت او موجب فزونى در رزق و طول عمر و دفع بلايا و ناگواريها مى‏شود » . ٤٢

### ٦- آمرزش گناهان

امام صادق عليه‌السلام فرمود: «هر كس حسين عليه‌السلام را زيارت كند در حاليكه عارف به حق او بوده و به امامتش اقرار داشته باشد خداى سبحان ،گناهان گذشته و آينده‏اش را مى‏آمرزد». ٤٣

و جابر جعفى در ضمن يك حديث طولانى از امام صادق عليه‌السلام روايت كرده است كه فرمود: «چون از نزد قبر حسين عليه‌السلام بازگشتى ، ندا كننده‏اى تو را ندا مى‏دهد كه اگر آن را مى‏شنيدى ، تمام عمر را نزد قبر شريف حسين عليه‌السلام اقامت مى‏گزيدى. آن منادى گويد:خوشا به حال تو اى بنده خدا كه سود فراوان بردى و به سلامت (در دين ) دست يافتى. عمل از سربگير كه گناهان گذشته‏ات آمورزيده شد» . ٤٤

### ٧- محسوب نشدن ايام زيارت از عمر زائر

امام صادق عليه‌السلام فرمود: «همانا ايام زيارت زائران حسين بن على عليه‌السلام از عمرشان محسوب نگشته و جزء حياتشان به شمار مى‏آيد» . ٤٥

### ٨- حفاظت زائر در دنيا و آخرت

عبدالله بن هلال به امام صادق عليه‌السلام عرض كرد: فدايت شوم، كمترين نصيبى كه زائر امام حسين عليه‌السلام دارد، چيست ؟ فرمود: «اى عبد الله، كمترين چيزى كه براى او مى‏باشد، اين است كه خداوند او و خانواده‏اش را حفظ مى كند تا وى را به سوى خانواده‏اش باز گرداند، و چون روز قيامت فرا رسد، خداوند حافظ او مى‏باشد» . ٤٦

### ٩- عنايت و توجه سيدالشهدا عليه‌السلام

امام صادق عليه‌السلام فرمود: «حسين در نزد پروردگارش ... به زائرانش نظر مى كند . او نگاه مى كند كه چه كسى براى آن حضرت گريه مى كند، پس براى او طلب آمرزش كرده و پدرانش را مى‏خواند تا براى آن زائر دعا كرده و طلب آمرزش و مغفرت نمايند. سپس امام (حسين) مى فرمايد: اگر زائر من مى‏دانست كه خدا چه چيزى براى او عطا مى فرمايد شادى او بيشتر از جزع و بى‏تابى وى مى‏گرديد» . ٤٧

و امام حسين عليه‌السلام فرمود: «هر كس مرا در زندگانيش زيارت كند، پس از مرگش بازديدش خواهم كرد» . ٤٨

### ١٠- خير و بركت زياد

امام صادق عليه‌السلام فرمود: «اگر مردم مى‏دانستند كه چقدر خير و بركت در زيارت امام حسين عليه‌السلام وجود دارد ، براى زيارت كردنش با يكديگر مقاتله مى‏كردند، و هر آينه اموالشان را براى رفتن به زيارتش مى‏فروختند» ٤٩

و امام باقر عليه‌السلام فرمود: «اگر مردم مى‏دانستند كه زيارت قبر شريف حسين عليه‌السلام چه مقدار فضيلت و بركت دارد، از شوق زيارت جان مى سپردند و نفسهايشان از شدت حسرت بند مى‏آمد» ٥٠.

### ١١- برابرى زيارت قبر حسين عليه‌السلام با حج

عبدالله بن عبيد انبارى گويد: به امام صادق عليه‌السلام عرضه داشتم : فدايت شوم ، همه ساله وسايل تشرف به حج برايم فراهم نمى‏شود. فرمود: «چون قصد حج نمودى و اسباب برايت فراهم نگشت ، به زيارت قبر حسين عليه‌السلام برو، كه يك حج برايت نوشته مى شود و چون قصد عمره نمودى و وسايل مهيا نشد ، عزم زيارت قبر حسين عليه‌السلام نما، كه يك عمره برايت منظور مى شود» ٥١

### ١٢- نام زائر در اعلى عليين ثبت مى‏شود

امام صادق عليه‌السلام فرمود: «هر كس به زيارت قبر حسين عليه‌السلام برود در حالى كه عارف به حق او باشد، خداوند نام او را در اعلى عليين مى‏نويسد» . ٥٢

### ١٣- غرق شدن در رحمت الهى

از امام صادق عليه‌السلام پرسيدند: ثواب كسى كه قبر امام حسين عليه‌السلام را زيارت كند، در حالى كه كبر و غرور نداشته باشد چيست ؟ فرمود: «برايش هزار عمره و حج مقبول نوشته مى شود . اگر شقى باشد، سعيد نوشته مى‏گردد، و پيوسته در رحمت الهى غوطه‏ور خواهد بود» . ٥٣

### ١٤- دعاى معصومين براى زائر

معاوية بن وهب از امام صادق عليه‌السلام نقل نموده كه فرمود: «اى معاويه، زيارت قبر حسين عليه‌السلام را از روى ترس وامگذار ، زيرا هر كه آن را ترك كند ، چنان دچار حسرت مى‏شود كه آرزو نمايد قبرش نزد او باشد . آيا دوست ندارى كه خداوند تو را در زمره كسانى به حساب آورد كه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله و على و فاطمه و امامان معصوم عليه‌السلام برايش دعا مى‏كنند؟» ٥٤.

و نيز فرمود: «همانا فاطمه (س) دختر محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله نزد زائران قبر فرزندش حسين عليه‌السلام حضور يافته و براى گناهانشان طلب آمرزش مى‏كند». ٥٥

### ١٥- تجلى خدا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: «به درستى كه خداى تبارك و تعالى، قبل از اهل عرفات ، براى زائران قبر حسين عليه‌السلام تجلى مى نمايد، حوايج آنان را بر آورده مى‏كند ، گناهانشان را آمرزيده و درخواستهايشان را به اجابت مقرون مى‏سازد ، و سپس متوجه اهل عرفات شده و در مورد آنان نيز اينگونه عمل مى‏كند». ٥٦

### ١٦- سعادت

امام صادق عليه‌السلام به عبدالملك خثعمى فرمود: «زيارت حسين بن على عليه‌السلام را ترك مكن و دوستانت را نيز به آن فرمان بده، تا خداوند بر عمرت افزوده و روزيت را زياد گرداند. خداوند سبحان زندگانى تو را در سعادت قرار خواهد داد، و نمى‏ميرى مگر سعادتمند ، و تو را در سلك سعادتمندان خواهند نوشت » . ٥٧

### ١٧- تأثير زيارت در روز عاشورا

امام صادق عليه‌السلام فرمود: «هر كس قبر حسين را در روز عاشورا زيارت كند ، همانند كسى است كه در برابر او به خون خود غلطيده باشد» ٥٨.

### ١٨- قرار گرفتن در جوار پيامبر و على و فاطمه عليه‌السلام امام صادق عليه‌السلام

 فرمود: «هر كس مى‏خواهد در جوار پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله و على و فاطمه عليه‌السلام باشد، نبايد زيارت حسين بن على عليه‌السلام را ترك كند» ٥٩.

### ١٩- تأثير زيارت در روز قيامت

امام صادق عليه‌السلام فرمود: «هيچ كس در روز قيامت نيست مگر آنكه آرزو مى‏كند كه اى كاش از زائرين امام حسين عليه‌السلام مى‏بود زيرا مشاهده مى‏نمايد كه با زائران حسين عليه‌السلام به واسطه مقامى كه در نزد پروردگار دارند، چگونه عمل مى‏شود» . ٦٠

و نيز فرمود: «هر كس دوست دارد در روز قيامت بر سر سفره‏هايى از نور بنشيند پس بايد از زائرين حسين بن على عليه‌السلام باشد» ٦١.

و زرارة بن اعين گويد: «امام صادق عليه‌السلام فرمود: «زائرين حسين يك برترى نسبت به ساير مردم دارند» پرسيدم : برتريشان چيست ؟ فرمود: «چهل سال قبل از مردم وارد بهشت مى‏شوند در حالى كه ديگران هنوز در حال حساب هستند» . ٦٢

### ٢٠- رهايى از شدايد قيامت

رسول گرامى اسلام صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: «من تعهد مى‏كنم كه در روز قيامت هنگامه رستاخيز ، ضمن ملاقات با زائر حسين عليه‌السلام، دستش را بگيرم و از مراحل هول‏انگيز و سختيهاى قيامت نجاتش بخشيده و او را به بهشت وارد كنم»٦٣.

### ٢١- نجات از آتش جهنم

امام صادق عليه‌السلام فرمود: «هر كس قبر حسين عليه‌السلام را به خاطر خداوند و در راه خدا زيارت نمايد، خداوند او را از آتش دوزخ آزاد مى‏سازد، و روز ترس بزرگ (قيامت) او را ايمن مى‏دارد . از خداوند نيز هيچ حاجتى از حوائج دنيا و آخرت را طلب نمى‏كند مگر آنكه به او عطا مى‏نمايد» ٦٤.

اين آثار و آثار ديگرى كه به خاطر اجتناب از طولانى شدن مطلب ذكر نكرديم ، همگى به بركت وجود حضرت سيدالشهدا عليه‌السلام است كه اميدوارم هر چه زودتر توفيق زيارت مرقد مطهرش نصيب تمام عاشقان گردد.

-------------------------------------

پى نوشتها:

٣٧ سورهء مائده , آيهء ٣٩

٣٨ ثواب الاعمال شيخ صدوق , ص ١١٦

٣٩ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ٢٨١

٤٠ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ٣٣٧

٤١ همان مأخذ.

٤٢ همان مأخذ , ص ٢٨٩

٤٣ كافى , مرحوم كلينى , ج ٤ ص ٥٨٢

٤٤ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ٢٩٥

٤٥ وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج ١٠ ص ٣٢٢

٤٦ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ٢٤٧

٤٧ امالى شيخ طوسى , ص ٥٥

٤٨ بحارالانوار , علامه مجلسى , ج ١٠١ ص ١٦

٤٩ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ٨٧

٥٠ سفينة البحار, محدث قمى , ج ١ ص ٥٦٥

٥١ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ٣٠٦

٥٢ وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج ١٠ ص ٣٢٤

٥٣ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ٣٢٨

٥٤ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ١٩٩

٥٥ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ٢٠٤

٥٦ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ٣٤٦

٥٧ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ٢٩٢

٥٨ وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج ١٠ ص ٣٣١

٥٩ وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج ١٠ ص ٢٣٠

٦٠ وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج ١٠ ص ٣٣٠

٦١ وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج ١٠ ص ٣٣١

٦٢ بحارالانوار , علامه مجلسى , ج ٤٤ ص ٢٣٥

٦٣ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ٢٧٨

٦٤ وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج ١٠ ص ٣٢٤

## ۵-فصل پنجم : آثار و بركات مرقد شريف سيدالشهداء عليه‌السلام

### سخنى پيرامون مرقد سيدالشهدا عليه‌السلام

اگر چه قبر حقيقى سيدالشهدا عليه‌السلام در دلها و قلبهاست كه بناى آن از دوران كودكى در سرزمين دل شيعيان و عاشقانش گذارده شد؛ اما مرقد شريف آن حضرت همواره از آثار و بركات متعددى برخوردار بوده است .

ضريح مقدس و حرم مطهر امام حسين عليه‌السلام يادگارى از جان نثارى و فداكارى او و يارانش در راه خدا مى‏باشد. مرقدى كه جاى عترت آدميان براى ابد و دوام خواهد بود، و سزاوار است كه اين بارگاه شريف و غم‏انگيز و شور آفرين، همواره زيارتگاه مردم جهان شده و انسانها ، فداكارى و عشق و صفا را از خفتگان اين مرقدهاى شريف ، سرمشق گيرند.

حرم حسين كعبه دلهاست . و اين كعبه طوافگاه زائران و قبله اميدواران و دارالشفاى دردمندان و پناهگاه توبه كنندگان و گنهكاران است.

آرى، عاشقان كويش و دلباختگان رويش ، پروانه‏وار خود را در اطراف ضريح مطهرش گردانيده و به آتش عشق و محبت او، پر و بال خويش را مى‏سوزانند و اشك شوق و اشتياق بر چهره و رخسار مى‏افشانند، و بر مظلومى و مصيبتهاى او و خاندانش ناله سر مى‏دهند به راستى «اين چه شمعى است كه جانها همه پروانه اوست».

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| برگرد حريم تو ، كه دست طلب ماست  |  | چون دامن شمعى است، كه پروانه بگيرد  |

‏فضل و شرافت كربلا و مرقد مطهر سيدالشهدا عليه‌السلام چنان است كه امام صادق عليه‌السلام فرمود: «قبر ابى عبدالله الحسين عليه‌السلام از آن روزى كه در آنجا دفن شد، باغى از باغهاى بهشتى است» ٦٥.

با ذكر اين مختصر ، شايسته است جهت آگاهى و آشنايى با چگونگى حرم و مرقد شريف امام حسين عليه‌السلام و تحولات عمارت شريف ، مطالبى به طور اجمال ذكر گردد.

محل دفن آن حضرت كه همان گودال قتلگاه است ، اكنون داراى سقفى است كه روى آن صندوق مبارك نهاده شده و روى صندوق ، ضريح در ميان روضه منوره ، و روضه نيز در بين مسجد (مسجد بالا سر و مسجد پشت سر) و در طرف پايين پا در زاويه روضه قبور شهدا مى‏باشد اين مجموعه هم اكنون حرم امام حسين عليه‌السلام را تشكيل مى‏دهد، و حرم نيز ميان رواق و رواق در وسط صحن و صحن محور آبادانى زمين كربلا بوده و مى‏باشد.

ضريح مقدس در وسط واقع است و از نقره خالص ساخته شده كه در پيش روى آن با طلا و به خط نسخ نوشته شده: «ولا تحسبن الذين قتلوا فى سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»، و در بالاى سر، «آيه نور» نوشته شده است .

صحن مطهر حسين عليه‌السلام داراى هفت باب است كه عبارتنداز: ١- باب قبله كه ساعتى بر فراز آن نصب است ، ٢- باب قاضى الحاجات ٣- باب زينبيه كه در حدود تل زينبيه قرار دارد ٤- باب سلطانى ٥- باب بازار بزازها ٦- باب سدره كه در شمال صحن بوده و به بازار و اطراف راه دارد ٧- باب صافى كه به درب بين الحرمين نيز معروف است.

از اخبار چنين بر مى‏آيد كه بارگاه حسينى هفت مرتبه - به غير از عمارت موجود - بنا نهاده شده است .

عمارت اول: بارگاه سيدالشهدا عليه‌السلام پس از ساختن قبر شريف آن حضرت براى اولين بار در دوران بنى اميه بنا گرديد ، اخبار و روايات بسيارى آمده كه در زمان بنى اميه سقفى بر روى مزار امام و مسجدى (ظاهراً توسط بنى اسد) نزديك آن ساخته شد و تا زمان هارون الرشيد (سال ١٩٣ ) همچنان باقى بود.

عمارت دوم : بعد از تخريب مرقد شريف ، توسط هارون ، در زمان مأمون خليفه عباسى، عمارت دوم بنا شد، و تا سال ٢٣٢ باقى بود .

اما از آن سال تا سال ٢٤٧ متوكل چهار بار امر به خرابى و انهدام قبر كرد، و اوقاف حاير مبارك را برد و ذخاير آن را تاراج كرد.

عمارت سوم : سومين بار مرقد مطهر امام به دست «منتصر» تجديد بنا شد، و تا سال ٢٧٣ باقى بود.

عمارت چهارم : تجديد بناى مرقد امام براى چهارمين بار به دست محمد بن زيد بن حسن بن محمد بن اسماعيل بن زيد بن على بن الحسين بن على بن ابيطالب ، ملقب به «داعى صغير» پادشاه طبرستان انجام گرفت.

عمارت پنجم : بناى عضد الدوله ديلمى بود، كه در سال ٣٦٩ بنا شد، و در زمان او بود كه رواقى به دست عمران بن شاهين معروف به «رواق عمران» در حاير حسين ساخته شد.

عمارت ششم : ششمين بار بارگاه حسين به دست حسن بن مفضل بن سهلان ابومحمد رامهرمزى ، وزير سلطان الدوله ديلمى نوسازى شد.

عمارت هفتم : عمارت موجود است كه در سال ٧٦٧ بعد از سرنگونى دولت آل بويه به سال ٣١٠ به دستور سلطان اويس ايلخانى ساخته شد، و در سال ٧٨٦ فرزندش احمد بن اويس در تكميل آن كوشيد و تاريخ آن در بالاى محراب و نزديك سر شريف آن حضرت نگاشته شده است . ٦٦

و اما آثار و بركات مرقد شريف و حرم مطهر سيدالشهدا عليه‌السلام عبارتنداز:

### ١- مرقد حسينى ، نيروبخش است

با ذكر اجمالى تحولاتى كه در عمارت مرقد مطهر امام حسين عليه‌السلام صورت گرفته است به خوبى معلوم مى‏گردد كه زيارت قبر آن حضرت در مبارزه با حكومت بنى عباس تأثير مهمى داشته است ، و به همين دليل بود كه عباسيان قبر آن امام را دشمن خود مى‏دانستند و به ويرانى آن دست مى‏زدند ، زيرا اين قبر شريف به مركز تجمع مخالفان و مبارزان تبديل شده بود.

مشاهده مزار و مرقد شهيدان كربلا و به نظر در آوردن آن مصائب جانگذار ، حالت بيننده را دگرگون ساخته و استقامت حال او را به هم زده و وارونه مى سازد، كه چگونه عده‏اى قليل در مقابل جمعى كثير و سپاهى مجهز و مهيا تن به مرگ داده و روى عقيده و ايمان خود ثبات قدم داشته و تا آخرين قطره خون خود مبارزه و جانفشانى نمودند.

### ٢- محل نزول فرشتگان الهى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: «ما بين قبر حسين عليه‌السلام تا آسمان، محل رفت و آمد فرشتگان الهى است ». ٦٧

و نيز فرمود: «قبر حسين بن على عليه‌السلام بيست ذراع در بيست ذراع است . آن باغى از باغهاى بهشت ، و محل عروج فرشتگان به آسمان مى‏باشد هيچ فرشته مقرب و پيامبر مرسلى نيست جز آنكه از خدا مى‏خواهد كه او را زيارت كند پس گروهى فرود مى‏آيند و گروهى بالا مى‏روند» ٦٨.

### ٣- نماز قبول مى‏شود

اگر انسان زائر ، حق امام را شناخته و با معرفت و ولايت او در كنار قبر مطهرش نماز گذارد ، مورد قبول حق تعالى قرار مى‏گيرد . چنانكه امام صادق عليه‌السلام در شأن و مقام كسى كه به مرقد و بارگاه شريف حضرت مشرف شده و نماز بخواند ، فرمود: «خداوند متعال اجر نمازش را قبولى آن قرار مى‏دهد» ٦٩.

### ٤- تمام خواندن نماز

حضرت امام جعفر صادق عليه‌السلام فرمود: «نماز در چهار مكان تمام خوانده مى‏شود (يعنى اگر چه از حد مسافت شرعى هم بيشتر باشد اما شكسته نمى‏شود) : ١- مسجد الحرام (مكه) ، ٢- مسجد الرسول (مدينه)، ٣- مسجد كوفه، ٤- حرم امام حسين عليه‌السلام » ٧٠.

و نيز روايت شده كه «ابن شبل» از امام صادق عليه‌السلام پرسيد: آيا قبر امام حسين عليه‌السلام را زيارت كنم ؟ فرمود: پاك و خوب زيارت كن و نمازت را در حرمش تمام بخوان . پرسيد نمازم را تمام بخوانم؟ فرمود: تمام. عرض كرد : بعضى از اصحاب و شيعيان شكسته مى‏خوانند؟ فرمود: اينان دو چندان عمل مى‏كنند » ٧١.

لذا چنانكه در رساله‏هاى عمليه نيز آمده است ، در حرم امام حسين عليه‌السلام مى‏توان نماز را، هم شكسته خواند و هم به بركت آن حضرت تمام بجا آورد.

### ٥- اجابت دعا و برآورده شدن حاجت

خداوند سبحان در ازاى ايثار و فداكارى سيدالشهدا عليه‌السلام و تحمل هرگونه سختى چون تشنگى و غم و اندوه فراوان براى حفظ اسلام، در مرقد شريفش بركاتى را قرار داده كه از جمله آنها اجابت دعا و برآورده شدن حاجات است . چنانكه امام صادق عليه‌السلام فرمود: «هر كس دو ركعت كنار قبر حسين عليه‌السلام نماز بخواند ، از خداوند چيزى را مسئلت نكند جز اينكه به او عطا شود» . ٧٢

و نيز فرمود: «خداوند در عوض قتل امام حسين عليه‌السلام امامت را در ذريه آن حضرت ، شفا را در تربتش ، اجابت دعا را در كنار مرقدش قرار داده ، و ايام زيارت كنندگان او از عمرشان حساب نمى‏شود» . ٧٣

-------------------------------------

پى نوشتها:

٦٥ سيرهء امامان (ترجمهء اعيان الشيعه ), علامه سيد محسن امين , ص ٢٢٠ـ و زندگانى چهارده معصوم ,

عمادزاده , ج ٢ ص ١٣٧

٦٦ وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج ١٠ ص ٣٢٣

٦٧ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ١٩٥

٦٨ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ٢٥٢

٦٩ وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج ١٠ ص ٥٤٩

٧٠ كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ٢٤٨

٧١ كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ١٢٣

٧٢ امالى شيخ طوسى , ص ٣١٧

٧٣ امالى شيخ طوسى , ص ٣١٩

## ۶-فصل ششم : آثار و بركات تربت پاك سيد الشهداءعليه‌السلام

### سخنى پيرامون تربت سيدالشهدا عليه‌السلام

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سجده بر خاك تو شايسته بود وقت نماز  |  | اى كه از خون جبينت به جبين آب وضوست  |

‏فضيلت و آثار و بركاتى كه براى تربت حسينى است ، براى هيچ تربتى و قطعه‏اى از قطعات زمين نيست . خاك كربلا قطعه‏اى از بهشت است كه خداوند قادر متعال به واسطه قدردانى از يك فداكار در راه دين كه تمام هستى خود را فدا كرده ، در آن خاك، بركت و فضيلت و شفا قرار داده است .

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| كربلايش قطعه‏اى از جنت است  |  | باب نور و باب لطف و رحمت است  |

‏

‏اما در اينكه چرا تنها اين خاك داراى چنين ويژگيها و آثار و بركات است؟ بايد گفت : هر چيزى كه در اين عالم ، شرافت ظاهرى و يا معنوى پيدا مى‏كند، يا به خاطر انتساب آن به خداوند سبحان و شرافت ذاتى است، و يا به خاطر وقوع امر خارق العاده و مهمى است كه به آن شرافت و بركت داده است .

در تربت كربلاى سيدالشهدا عليه‌السلام هر دو امر محقق شده است ، زيرا خاك كربلا بنا بر رواياتى ، هم شرافت ذاتى و خدا دادى ، و هم امر عظيم و واقعه‏اى مهم در آنجا واقع گرديده كه آن شهادت حسين بن على عليه‌السلام و ياران وفادارش مى‏باشد ، لذا داراى فضيلت و آثارى خاص است .

آمده است كه چون بر قبر امام حسين عليه‌السلام آب بستند، پس از چهل روز آب فرو نشست و اثر قبر محو گرديد، يكى از اعراب بنى اسد آمد و از خاك قبضه قبضه برداشت و بوييد تا بر قبر حسين رسيد، و چون او را مى‏بوسيد گريه مى‏كرد و مى‏گفت : پدر و مادرم به فدايت ، چه اندازه خوشبويى كه قبر و تربت تو چنين خوشبو است ، سپس شروع كرد به سرودن :

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خواهند نهان سازند قبرش ز حبيبش  |  | خوشبويى خاك قبر گرديده دليلش  |

‏

‏آرى خاك مزار حسين عليه‌السلام سرمه چشم عاشقان و شيفتگانش بوده و ايشان را مجنون وار به سوى خود مى‏كشاند.

از آنجايى كه هدف اين كتاب بر شمردن آثار و بركات سيدالشهدا عليه‌السلام است ، از تفصيل در مطلب پرهيز كرده و علاقه‏مندان به اين مقوله را به كتابهاى مربوط ارجاع مى‏دهد .

و اما آثار و بركاتى كه مى توان براى تربت پاك حسينى برشمرد عبارتنداز:

### ١- تأثير تماس اعضاى بدن با تربت

يكى از آثار و بركات تربت سيدالشهدا عليه‌السلام اين است كه متبرك نمودن بدن و صورت با آن تربت شريف تأثير معنوى زيادى بر انسان خواهد گذاشت ، از اين رو از بعضى بزرگان دين و امامان معصوم نقل شده كه بعد از نماز ، بدن و صورت خويش را با مهر كربلا متبرك مى كنند. و نيز دستور داده‏اند كه قبل از خوردن تربت جهت شفا گرفتن، آن را بوسيده و با اعضاى بدن تماس داده شود.

امام صادق عليه‌السلام فرمود: «خداوند متعال تربت جدم حسين عليه‌السلام را شفاى هر درد، و ايمنى از هر خوفى قرار داده است؛ پس هرگاه يكى از شما خواست از آن خاك تناول كند، ببوسد و آن را به چشم گذارد و بر ساير اعضاى بدنش تماس دهد...» ٧٤

### ٢- سجده بر تربت

يكى ديگر از بركات و آثار خاك مزار امام حسين عليه‌السلام اين است كه سجده بر آن تربت پاك حجابهاى ظلمانى را كنار زده و در توجه حق تعالى به نمازگزار مؤثر است . امام صادق عليه‌السلام در اين باره مى‏فرمايد: «همانا سجود بر تربت حسين عليه‌السلام حجابهاى هفتگانه را پاره مى كند». ٧٥

لازم به ذكر است كه مراد از «حجاب» در كتاب و سنت ، همان حجابهايى است كه بين بنده و خالق حايل شده و او را از شهود خداوند محجوب مى سازد كه در مرحله اول، حجابهاى ظلمانى و در مرحله دوم ، حجابهاى نورانى بر طرف مى‏شود اما مراد از حجابهاى هفتگانه ، ظاهراً حجابهاى ظلمانى است . سجده بر تربت حضرت سيدالشهداعليه‌السلام اين خاصيت را دارد كه در صورت معرفت به حق حضرت و ولايت او، حجابها را دريده و راهگشاى وصول به كمالات انسانى باشد.

و اما در خصوص اينكه در ميان شيعه معمول است از خاك مقدس كربلا يعنى تربت كنار قبر سيدالشهدا عليه‌السلام خاك برداشته و با آن مهر درست كرده و غالباً در نماز، به آن سجده مى‏كنند بدين خاطر است كه از خاك زمين بوده و به تمامى خاكها مى‏توان سجده كرد، و از طرفى خاك كربلا به لحاظ شهادت امام حسين عليه‌السلام و ياران باوفايش شرافت پيدا كرده است ، به طورى كه اهل بيت عليه‌السلام نيز به ما فرموده‏اند در هر نمازى كه سجده بر تربت كربلا باشد خداوند آن نماز را به خاطر آن حضرت قبول مى‏كند. چنانكه حضرت صادق عليه‌السلام از خاك كربلا درون كيسه‏اى ريخته و در سجاده همراه داشت، در هنگام نماز آن كيسه را باز مى‏كرد و بر آن سجده مى‏نمود.

### ٣- شفا يافتن

از جمله آثار و بركات قطعى تربت پاك سيدالشهدا عليه‌السلام شفا بودن آن براى دردهاو آلام انسان است . رواياتى كه دلالت بر اين امر دارند به سه دسته تقسيم مى‏شوند:

دسته اول : رواياتى است كه شفا بودن را براى تربتى كه از خود قبر شريف برداشته شود مخصوص كرده است ، چنانكه امام صادق عليه‌السلام فرمود: «به درستى كه نزد سر حسين عليه‌السلام تربت سرخى است كه شفاى هر دردى غير از مرگ مى باشد» . ٧٦

دسته دوم : رواياتى است كه با تعبيرات مختلف توسعه‏اى از بيست ذراع تا پنج فرسخ و يا ده ميل را براى آن قائل است . چنانكه امام صادق عليه‌السلام فرمود: «حريم مزار حسين عليه‌السلام پنج فرسخ از چهار جانب قبر است ». ٧٧

دسته سوم : رواياتى است كه به طور مطلق جنبه شفا بودن تربت را مطرح نموده‏اند . چنانكه امام صادق عليه‌السلام فرمود: «خاك مزار امام حسين عليه‌السلام براى هر دردى شفاست». ٧٨

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| تا شفا بخشد روان و جسم هر بيمار را  |  | در حريم وصل خود خاك شفا دارد حسين  |

‏و نيز امام رضا عليه‌السلام فرمود: «خوردن گل، مانند خوردن مردار و خون و گوشت خوك، حرام است مگر گل مزار حسين عليه‌السلام ، به درستى كه در آن شفاى هر درد و امنيت از هر ترسى است». ٧٩

حكايت: عالم زاهد پرهيزگار حجةالاسلام و المسلمين مرحوم آقاى حاج شيخ محمد حسن عالم نجف آبادى قدس سره نقل فرمودند: «من در زمان مرجعيت مرحوم آية الله آخوندى خراسانى (ره) كه در نجف اشرف مشغول تحصيل بودم مريض شدم و اين بيمارى مدتى طول كشيد و پرستارى مرا بعضى از طلاب در همان حجره مدرسه بر عهده داشتند . پس از چندى بيمارى من به قدرى شديد شد كه اطبا از شفا يافتنم مأيوس شدند و ديگر براى معالجه‏ام نيامدند، و من در حال تب شديد گاهى بيهوش مى‏شدم و گاهى به هوش مى آمدم.

يكى از رفقا كه مرا پرستارى مى‏كرد شنيده بود كه عالم زاهد مرحوم آية الله آقاى حاج على محمد نجف آبادى قدس سره مقدارى از تربت اصلى حضرت سيدالشهدا عليه‌السلام را دارد. او به منزل معظم له رفته و از وى خواسته بود كه قدرى از آن تربت را بدهد كه به من بخورانند تا شفا يابم. ايشان فرموده بود : من به قدر يك عدس تربت دارم و آن را گذاشته ام كه بعد از مرگم در كفنم بگذارند . آن آقا ناراحت شده و گفته بود : حالا كه ما از همه جا مأيوس شده و به شما پناه آورده‏ايم شما هم از دادن تربت خوددارى مى‏كنيد؟ اين بيمار در حال احتضار است و مى‏ميرد.

مرحوم آية الله آقاى حاج على محمد، دلش به حال بيمار سوخته و قدرى از آن تربت كه از جان خودش عزيزترش مى داشت به آن شخص داده بود . تربت را با آب مخصوصى كه وارد شده در آب حل كرده و به حلق من ريخته بودند . من كه در حال بيهوشى به سر مى‏بردم ، ناگهان چشمان خود را باز كرده و ديدم رفقا اطراف بسترم نشسته‏اند ، خوب دقيق شدم و آنان را شناختم و قصه تربت را كه به حلقم ريخته بودند برايم شرح دادند.

كم كم در خود احساس نيرو و نشاط كردم و حركتى به خود داده نشستم ، ديدم نشاط بيشترى دارم برخاستم و ايستادم ، و چون يقين كردم كه به بركت ترتبت مقدس امام حسين عليه‌السلام شفا يافتم حال خوشى پيدا كردم و به رفقا گفتم : از شما خواهش مى كنم كه از حجره بيرون برويد، چون مى‏خواهم زيارت عاشورا را بخوانم رفقا از حجره بيرون رفتند و من درب حجره را بستم و بدون احساس ضعف با آن حال خوشى كه قابل و صف كردن نيست مشغول خواندن زيارت حضرت سيدالشهدا عليه‌السلام شدم ». ٨٠

آرى ، شفاى بيماران به وسيله تربت آن حضرت يكى از بركاتى است كه خداوند متعال در عوض شهادت امام حسين عليه‌السلام به وى عطا فرموده است .

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| تربتت راز شفاى همه درد است حسين  |  | تن و جان را نبود مثل تو آگاه طبيب  |

### ‏٤- تأثير كام برداشتن اطفال با تربت

كام برداشتن اطفال با تربت امام حسين عليه‌السلام موجب ايمنى كودك مى شود چنانكه امام صادق عليه‌السلام فرمود:

«كام فرزندانتان را با تربت حسين عليه‌السلام باز كنيد كه آن امان است ». ٨١

### ٥- تأثير تربت حسين ، همراه جنازه

صاحب كتاب «مدارك الاحكام» مى نويسد: در زمان حضرت صادق عليه‌السلام زن زاينه‏اى بود، بچه‏هايى كه از زنا به دنيا مى آورد در تنور مى‏انداخت و مى‏سوزانيد. وقتى كه مرد، پس از غسل و كفن او را به خاك سپردند ، اما زمين جنازه‏اش را بيرون انداخت .جاى ديگر او را دفن كردند باز زمين او را نپذيرفت تا سه مرتبه ، آنگاه مادرش به امام صادق عليه‌السلام متمسك شد: اى پسر پيغمبر به فريادم برس.

فرمود: كارش چه بود ؟ عرض كردند زنا و سوزاندن بچه‏هاى حرامزاده . فرمود: هيچ مخلوقى حق ندارد مخلوقى را بسوزاند، سوزاندن به آتش مخصوص خالق است عرض كرد حالا چه كنم؟ فرمود: مقدارى از تربت حسين عليه‌السلام با او در قبر بگذاريد . تربت حسين عليه‌السلام امان است . همراهش گذاشتند زمين او را پذيرفت.

در توقيع مبارك حضرت حجة بن الحسن (عج) نيز اذن داده شده است . يكى از شيعيان به حضرت (در زمان غيبت صغرى توسط نايب خاص حضرت ) مى‏نويسد: آيا جايز است ما تربت حسين عليه‌السلام را با ميت در قبر بگذاريم ، يا با تربت حسين روى كفن بنويسيم؟

حضرت در پاسخ مرقوم مى‏فرمايند: هر دو كار پسنديده است . البته بايد رعايت احترام تربت بشود . مهر يا تربت، مقابل يا زير صورت ميت باشد ، بلكه به بركت خاك قبر حسين عليه‌السلام قبر ميت محل امنى از هر بلا و آفت و عذابى گردد. ٨٢

### ٦- تسبيح تربت

از حضرت صاحب الزمان (عج) روايت شده كه فرمود: «هر كس تسبيح تربت امام حسين عليه‌السلام را در دست گيرد و ذكر را فراموش كند، ثواب ذكر براى او نوشته مى‏شود». ٨٣

و امام صادق فرمود: «يك ذكر يا استغفار كه با تسبيح تربت حسين عليه‌السلام گفته شود برابر است با هفتاد ذكر كه با چيز ديگر گفته شود». ٨٤

-------------------------------------

پى نوشتها:

٧٤ وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج ٤ ص ١٠٣٣

٧٥ كافى , مرحوم كلينى , ج ٤ ص ٥٨٨

٧٦ كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ٢٧٢

٧٧ مكارم الاخلاق , طبرسى , ج ١ ص ٣٦٠

٧٨ كافى , مرحوم كلينى , ج ١ ص ٣٦٠

٧٩ تهذيب الاحكام , شيخ طوسى , ج ٦ ص ٧٤

٨٠ نقل از كتاب آيت الله شهيد دستغيب , ص ١٦٦

٨١ وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج ٤ ص ١٠٣٣

٨٢ وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج ٤ ص ١٠٣٣

٨٣ بحارالانوار , علامه مجلسى , ج ٤٤ ص ٢٨٠

٨٤ نقل از كتاب شهيد هاشمى نژاد, ص ٤٥١

## ۷-فصل هفتم : آثار و بركات عزادارى و گريه بر سيدالشهداء عليه‌السلام

### سخنى پيرامون عزادارى و گريه بر سيدالشهدا عليه‌السلام

«گريه» مظهر شديدترين حالات احساسى انسان است، و علتها و انگيزه‏هاى مختلفى دارد كه هر يك از آنها نشان دهنده حالتى خاص است . در روايات ، بعضى از انواع گريه تحسين شده و از صفات پسنديده بندگان پاكدل خداوند به حساب آمده است ، و بعضى از انواع گريه مذموم شمرده شده است .

گريه ، از حالات و انفعالات انسانى است كه با مقدمه‏اى از اندوه و ناراحتى روانى به طور طبيعى به ظهور مى‏رسد، و گاه ممكن است انگيزه‏اش هيجانات تند روانى باشد . مثل شوق و ذوقى كه از ديدار محبوب پس از زمانى طولانى ناشى مى شود. همچنين گاهى هم گريه كردن حاكى از عقايد مذهبى انسان است با اين توصيف، از آنجايى كه گريه عملى طبيعى و اى بسا غير ارادى است؛ لذا نمى شود مورد امر و نهى و حسن و قبح قرار گيرد، بلكه آنچه كه مورد حسن و قبح است، مقدمات و انگيزه‏هاى گريه مى‏باشد . چنانكه گفته‏اند: «تو آنى كه در بند آنى».

در اينجا براى اينكه بدانيم گريه بر سيدالشهدا عليه‌السلام چگونه گريه‏اى است و چه تأثيرات و بركاتى مى‏تواند داشته باشد، بهتر آن است كه اشاره‏اى به انواع گريه كنيم تا بعد از آن، نوع گريه بر آن حضرت برايمان معلوم گردد.

١- گريه طفوليت : زندگانى انسان با گريه شروع مى شود كه همان گريه، نشانه سلامت و تندرستى نوزاد است، و در واقع گريه در آن زمان ، زبان طفل است .

٢- گريه شوق: مانند گريه مادرى كه از ديدن فرزند گمشده خويش پس از چندين سال سرداده مى‏شود . و اين گريه‏اى است كه از روى هيجان و احياناً جهت سرور و شادى به انسان دست مى‏دهد.

٣- گريه عاطفى و محبت : محبت از عواطف اصيل انسانى است كه با گريه انس ديرينه دارد . مثلاً محبت حقيقى به خداوند حسن آفرين است و براى قرب به او بايد اشك محبت ريخت.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| صنما با غم عشق تو چه تدبير كنم  |  | تا به كى در غم تو ناله شبگير كنم  |

‏

‏٤- گريه معرفت و خشيت: انجام عبادات خالصانه و تفكر در عظمت آفرينش و كبريايى خداوند ، و همچنين اهميت تكاليف و مسئوليتهاى انسانى باعث مى‏گردد كه نوع خاصى از خوف، در درون انسان ايجاد شود و اين خوف، خوفى است كه از روى معرفت به خداوند و تهذيب نفس به دست مى‏آيد كه «خشيت » ناميده مى شود.

٥- گريه ندامت: از عوامل اندوه زدايى كه منجر به گريه مى‏گردد، محاسبه نفس و حسابرسى شخصى است ، و همين حسابرسى باعث مى‏شود كه انسان به گذشته خود فكر كند و با حسابرسى ، جبران كوتاهى و خطاها را بكند و اشك حسرت و ندامت از چشمانش جارى نمايد، اين گريه، نتيجه توبه و بازگشت به خداست.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| اشك ميغلتد به مژگانم به جرم رو سياهى  |  | اى پناه بى پناهان، مو سپيد روسياهم  |
| روز و شب از ديدگان اشك پشيمانى فشانم  |  | تا بشويم شايد از اشك پشيمانى گناهم  |

‏‏

٦- گريه پيوند با هدف : گاهى قطره‏هاى اشك انسان، پيام آور هدفهاست . گريه بر شهيد از اين نوع گريه است . گريه بر شهيد خوى حماسه را در انسان زنده مى‏كند و گريستن بر سيدالشهدا عليه‌السلام خوى حسينى را در انسان احيا مى‏كند ، و خوى حسينى چنان است كه نه ستم مى‏كند و نه ستم مى‏پذيرد. آن كسى كه با شنيدن حادثه كربلا قطره اشكى از درون دل بيرون مى‏فرستد، صادقانه اين پيوند با هدف والاى سيدالشهدا عليه‌السلام را بيان مى‏كند.

٧- گريه ذلت و شكست : گريه افراد ضعيف و ناتوانى كه از رسيدن به اهداف خود مانده‏اند و روح و شهامتى براى پيشرفت در خود نمى‏بينند.

با ذكر اين مطلب، حال بايد بررسى كرد كه گريه بر حسين عليه‌السلام از چه نوع گريه است . هر كس با اندك توجهى خواهد دانست كه گريه بر حسين عليه‌السلام گريه محبت است ، آن محبتى كه در دلهاى عاشقانش به ثبت رسيده است . گريه بر او ، گريه شوق است ، زيرا قسمت زيادى از حماسه‏هاى كربلا، شوق آفرين و شورانگيز است و به دنبال آن سيلاب اشك شوق به خاطر آن همه رشادت، فداكارى ، شجاعت و سخنرانيهاى آتشين مردان و زنان به ظاهر اسير ، از ديدگان شنونده سرازير مى‏گردد و نيز گريه معرفت و پيوند با هدف متعالى و انسان ساز او است؛ و به تعبير امام خمينى (ره) گريه سياسى است كه فرمود: «ما ملت گريه سياسى هستيم ، ما ملتى هستيم كه با همين اشكها سيل جريان مى‏دهيم و سدهايى را كه در مقابل اسلام ايستاده است خرد مى‏كنيم ».

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هزار سال فزون شد ز وقعه عاشورا  |  | ولى ز تعزيه هر روز، روز عاشوراست  |

‏هيهات كه گريه بر حسين عليه‌السلام گريه ذلت و شكست باشد، بلكه گريه پيوند با سرچشمه عزت است، گريه امت نيست، كه گويا است ، گريه سرد كننده نيست ، كه حرارت بخش است، گريه بزدلان نيست، كه گريه شجاعان است ، گريه يأس و نااميدى نيست كه گريه اميد است، و بالاخره گريه معرفت است و گريه معرفت در عزاى حسين عليه‌السلام از انحراف و تحريف در قيام آن حضرت جلوگيرى مى كند و شايد به همين جهت باشد كه در فضيلت گريه بر سيدالشهدا عليه‌السلام روايات متعددى وارد شده است . از آن جمله، روايتى است كه امام صادق عليه‌السلام فرمود: «گريه و بى تابى در هر مصيبت براى بنده مكروه است، مگر گريه بر حسين بن على عليه‌السلام كه اجر و ثواب نيز دارد» . ٨٥

گريه و عزادارى براى سيدالشهداعليه‌السلام داراى آثار و بركات مهمى است كه به برخى از آنها اشاره مى‏شود:

### ١- حفظ رمز نهضت حسينى

از ارزنده‏ترين آثار و بركات مجالس عزادارى و گريه بر ابى عبدالله حسين عليه‌السلام حفظ رمز نهضت حسينى است .

به راستى ؛ چرا در دوران منحوص سلاطين و پادشاهان جور از برپايى مجالس عزاى اهل بيت عليه‌السلام به خصوص سالار شهيدان جلوگيرى مى شد؟ آيا نه اين است كه عزاى حسينى و امامان شيعه، سبب مى شود كه سخنوران و دانشمندان متعهد و انقلابى، مردم را از ظلم‏هاى حكومتها آگاهى دهند و انگيزه قيام آن حضرت كه امر به معروف و نهى از منكر است به اطلاع مردم برسد؟

آرى، اينگونه مجالس، آموزشگاهها و دانشگاههايى است كه به بهترين روش و زيباترين اسلوب مردم را به سوى دين خوانده و عواطف را آماده مى‏كند و جاهلان و بى‏خبران را از خواب سنگين غفلت بيدار مى‏سازد و نيز در اين مجالس است كه مردم ، ديانت را همراه با سياست، از مكتب حسين بن على عليه‌السلام مى‏آموزند.

گريه بر سيد الشهدا عليه‌السلام و تشكيل مجالس عزاى حسينى نه تنها اساس مكتب را حفظ مى‏كند، بلكه باعث مى‏گردد شيعيان با حضور در اين مجالس از والاترين تربيت اسلامى برخوردار شده و در جهت حسينى شدن رشد و پرورش يابند.

كدام اجتماعى است كه در عالم چنين اثرى را از خود بروز داده باشد؟ كدام حادثه‏اى است مانند حادثه جانسوز كربلا كه از دوره وقوع تاكنون و بعدها بدينسان اثر خود را در جامعه بشريت گذارده ، و روز به روز دامنه آن وسيعتر و پيروى و تبعيت از آن بيشتر گردد؟ از اين رو بايد گفت كه در حقيقت مراسم عزادارى حافظ و زنده نگهدارنده نهضت مقدس امام حسين عليه‌السلام و در نتيجه حافظ اسلام وضامن بقاى آن است .

تشكيل مجالس عزادارى حسين، نه تنها اساس مكتب را حفظ كرده و مى‏كند بلكه به علاوه سبب آن گرديد كه شيعيان با حضور در اين مجالس از والاترين تربيت اسلامى برخوردار شده و در جهت حسينى شدن رشد و پرورش يابند.

«موريس دوكبرى» مى‏نويسد: «اگر مورخين ما، حقيقت اين روز را مى‏دانستند و درك مى‏كردند كه عاشورا چه روزى است ، اين عزادارى را مجنونانه نمى پنداشتند . زيرا پيروان حسين به واسطه عزادارى حسين مى‏دانند كه پستى و زير دستى و استعمار را نبايد قبول كنند . زيرا شعار پيشرو و آقاى آنان تن به زير بار ظلم و ستم ندادن است.

قدرى تعمق و بررسى در مجالس عزادارى حسين نشان مى‏دهد كه چه نكات دقيق و حيات بخشى مطرح مى شود ،در مجالس عزادارى حسين گفته مى شود كه حسين عليه‌السلام براى حفظ شرف و ناموس مردم و بزرگى مقام و مرتبه اسلام، از جان و مال و فرزند گذشت و زير بار استعمار و ماجراجويى يزيد نرفت؛ پس بياييد ،ما هم شيوه او را سرمشق قرار داده از زير دستى استعمار گرايان خلاصى يابيم و مرگ با عزت را بر زندگى با ذلت ترجيح دهيم...» ٨٦.

### ٢- ازدياد محبت به امام، و تنفر از دشمنان آن حضرت

سوزى كه از دل سوخته عاشقان سيدالشهدا عليه‌السلام به چشم سرايت كرده و از مجارى دو چشم آنها به صفحه رخسار وارد مى شود، مراتب علاقه و اخلاص و دلبستگى به خاندان وحى و رسالت را مى‏رساند و اين عمل اثرى مخصوص در ابقاى مودت و ازدياد محبت دارد.

گريه بر حضرت سيدالشهدا عليه‌السلام از مواردى است كه هيچ انسانى از فرط دلسوزى و انقلاب، طاقت بردبارى و تحمل در برابر استماع مصائب او را ندارد، و اين گريه و بيقرارى ، علاوه بر ازدياد محبت و مهر و مودت، موجب كثرت تنفر و بى‏زارى از دشمنان و قاتلان آن حضرت شده و موجب برائت دوستداران اين خانواده از دشمنان ايشان مى‏گردد.

بارى، گريه با آگاهى و معرفت بر امام حسين عليه‌السلام ، در واقع، اعلام انزجار از قاتلان اوست و اين تبرى از آثار برجسته گريه بر امام حسين عليه‌السلام است زيرا مردم به ويژه افرادى كه داراى شخصيت هستند از گريه كردن در برابر حوادث تا سر حد امكان امتناع مى‏ورزند ، و تا شعله درونى آنان به مرتبه انفجار نرسد حاضر به گريه كردن مخصوصاً در برابر چشم ديگران نيستند، اين گريه و عزادارى ابراز كمال تنفر در برابر تعدى و تجاوز و ستمگرى و پايمال نمودن حقوق جامعه و به ناحق تكيه زدن بر مسند حكومت آنان مى‏باشد.

### ٣- آشنايى با حقيقت دين و نشر آن

يكى ديگر از آثار و بركات مجالس عزادارى سيدالشهدا عليه‌السلام اين است كه مردم در سايه مراسم عزادارى به حقيقت اسلام آشنا شده و بر اثر تبليغات وسيع و گسترده‏اى كه همراه با اين مراسم انجام مى‏گيرد، آگاهى توده مردم بيشتر شده و ارتباطشان با دين حنيف محكمتر و قويتر مى‏گردد . چه اينكه قرآن و عترت دو وزنه نفيسى هستند كه هرگز از يكديگر جدا نمى‏شوند و اين آگاهى در اقامه ماتم و مراسم سوگوارى عترت رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله به خصوص امام حسين عليه‌السلام به آحاد مردم داده خواهد شد.

### ٤- آمرزش گناهان

ريان بن شبيب از امام رضا عليه‌السلام روايت كرده كه فرمود: «اى پسر شبيب ، اگر بر حسين عليه‌السلام گريه كنى تا آنكه اشك چشمت بر صورتت جارى شود، خداوند گناهان كوچك و بزرگ، و كم يا زياد تو را مى آمرزد» ٨٧

و نيز فرمود: «گريه كنندگان بايد بر كسى همچون حسين عليه‌السلام گريه كنند ، زيرا گريستن براى او گناهان بزرگ را فرو مى‏ريزد» ٨٩.

### ٥- سكونت در بهشت

امام باقر عليه‌السلام فرمود: «هر مؤمنى كه در سوگ حسين عليه‌السلام اشك ديده ريزد، به حدى كه بر گونه‏اش جارى گردد، خداوند او را ساليان سال در غرفه‏هاى بهشت مسكن مى‏دهد» . ٩٠

و نيز امام صادق عليه‌السلام فرمود: «هر كس درباره حسين عليه‌السلام شعرى بخواند و گريه نمايد و يك نفر را بگرياند، بهشت براى هر دوى آنها نوشته مى‏شود . كسى كه حسين عليه‌السلام نزد او ذكر شود و از چشمش به مقدار بال مگسى اشك آيد، اجر او نزد خداست و براى او جز به بهشت راضى نخواهد شد» .٩١

و نيز فرمود: «هر كس كه در عزاى حسين عليه‌السلام بگريد يا ديگرى را بگرياند و يا آنكه خود را به حالت گريه و عزا درآورد ، بهشت بر او واجب مى‏شود» ٩٢.

### ٦- شفا يافتن

يكى ديگر از آثار و بركات مجالس عزادارى حضرت سيد الشهدا عليه‌السلام شفا گرفتن است . به طورى كه بارها ديده‏ايم و شنيده‏ايم كه بعضى از عزاداران و گريه كنندگان بر حسين عليه‌السلام شفا گرفته‏اند.

نقل است كه مرجع بزرگ شيعه مرحوم آية الله العظمى بروجردى در سن نود سالگى داراى چشمانى سالم بودند كه بدون عينك خطوط ريز را هم مى‏خواندند و مى‏فرمودند: اين نعمت را مرهون وجود مبارك حضرت ابى عبدالله الحسين عليه‌السلام هستم : و قضيه را چنين نقل مى‏فرمودند:

در يكى از سالها در بروجرد بودم، به چشم درد عجيبى مبتلا شدم كه بسيار مرا نگران ساخته بود . معالجه پزشكان فايده‏اى نكرد و درد چشم هر روز بيشتر و ناراحتى من افزونتر مى‏گرديد، تااينكه ايام محرم شد. در ايام محرم آية الله فقيد ، دهه اول را روضه داشتند و دسته‏هاى مختلف هم در اين عزادارى شركت مى‏كردند . يكى از دسته‏هايى كه روز عاشورا به خانه آقا وارد شده بود، «هيئت گِلگيرها» است كه نوعاً سادات و اهل علم و محترمين هستند، در حالى كه هر يك حوله سفيدى به كمر بسته‏اند، سر و سينه خود را گل آلود كرده و به طور بسيار رقت بار و مهيج و در عين حال با سوز و گداز فراوان و ذكرى جانسوز آن روز را تا ظهر عزادارى مى كنند . آقا فرمودند:

«هنگامى كه اين دسته به خانه من آمدند و وضع مجلس با ورود اين هيئت هيجان عجيبى به خود گرفته بود من هم در گوشه‏اى نشسته و آهسته آهسته اشك مى‏ريختم و در اين بين هم مقدارى گل از روى پاى يكى از همين افراد گلگير برداشته و بر روى چشمهاى ملتهب و ناراحتم كشيدم، و به بركت همين توسل، چشمانم خوب شد و امروز علاوه بر اينكه مبتلا به درد چشم نشدم، از نعمت بينايى كامل برخوردارم، و به بركت حضرت امام حسين عليه‌السلام احتياج به عينك هم ندارم». با اينكه همه قواى جسمانى ايشان تحليل رفته بود با اين وجود تا آخرين ساعات زندگانى از بينايى كامل برخوردار بودند.

### ٧- گريه كننده بر حسين، در قيامت گريان نيست

رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله به فاطمه زهرا (س) فرمود: «هر چشمى در روز قيامت گريان است مگر چشمى كه براى مصائب حسين عليه‌السلام گريه كرده باشد، چنين كسى در قيامت خندان و شادان به نعمت‏هاى بهشتى است». ٩٣

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| آن روز ديده‏ها همه گريان شود ز هول  |  | جز چشم گريه كرده به سوگ و عزاى او  |

‏

### ٨- امان از سكرات موت و آتش دوزخ

مسمع گويد: حضرت امام صادق عليه‌السلام فرمود: آيا متذكر مى شوى با حسين چه كردند؟ عرض كردم : آرى ، فرمود: آيا جزع و گريه مى‏كنى؟ گفتم : آرى ، به خدا سوگند گريه مى‏كنم و آثار غم و اندوه در صورتم ظاهر مى‏شود حضرت فرمود: «خدا اشك چشمت را رحمت كند . آگاه باش كه تو از آن اشخاصى هستى كه از اهل جزع براى ما شمرده مى‏شوند، به شادى ما شاد و به حزن ما محزون و اندوهناك مى‏گردند. آگاه باش كه به زودى هنگام مرگ، پدرانم را بر بالين خود حاضر مى‏بينى ، در حالى كه به تو توجه كرده و ملك الموت را درباره تو بشارت مى دهند، و خواهى ديد كه ملك الموت در آن هنگام از هر مادر مهربان به فرزندش ، مهربانتر است» سپس فرمود: «كسى كه بر ما اهل بيت به خاطر رحمت و مصائب وارده بر ما گريه كند، رحمت خدا شامل او مى‏شود قبل از اينكه اشكى از چشمش خارج گردد؛ پس زمانى كه اشك چشمش بر صورت جارى شود اگر قطره‏اى از آن در جهنم بريزد، حرارت آن را خاموش كند، و هيچ چشمى نيست كه گريه كند بر ما مگر آنكه با نظر كردن به كوثر و سيراب شدن با دوستان، خوشوقت مى‏گردد» . ٩٤

با توجه به اين روايت شريف بايد گفت:جايى كه آتش جهنم كه قابل مقايسه با آتش دنيا نيست و به وسيله گريه بر حسين عليه‌السلام خاموش و برد و سلام گردد ، پس اگر در موردى، آتش ضعيف دنيا عزادار حسينى را نسوزاند جاى تعجب نيست .

سيد جليل مرحوم دكتر اسماعيل مجاب (دندانساز) عجايبى از ايام مجاورت در هندوستان كه مشاهده كرده بود نقل مى‏كرد، از آن جمله مى‏گفت : عده‏اى از بازرگانان هندو (بت پرست) به حضرت سيدالشهدا عليه‌السلام معتقد و علاقه مندند و براى بركت مالشان با آن حضرت شركت مى‏كنند، يعنى در سال مقدارى از سود خود را در راه آن حضرت صرف مى‏كنند. بعضى از آنها روز عاشورا به وسيله شيعيان ، شربت و پالوده و بستنى درست كرده و خود به حال عزا ايستاده و به عزاداران مى‏دهند، و بعضى آن مبلغى كه راجع به آن حضرت است را به شيعيان مى‏دهند تا در مراكز عزادارى صرف نمايند.

يكى از آنان را عادت چنين بود كه همراه سينه زنها حركت مى‏كرد و با آنها به سينه زدن مشغول مى شد. وقتى از دنيا رفت، بنا به مرسوم مذهبى خودشان، بدنش را با آتش سوزانيدند تا تمام بدنش خاكستر شد جز دست راست و قطعه‏اى از سينه‏اش كه آتش، آن دو عضو را نسوزانيده بود.

بستگان آن دو عضو را آوردند نزد قبرستان شيعيان و گفتند: «اين دو عضو راجع به حسين شماست» ٩٥.

### ٩- تأثير شعر سرودن در عزاى حسينى

امام صادق عليه‌السلام فرمود: «كسى نيست كه براى حسين عليه‌السلام شعرى بسرايد و گريه كند يا بگرياند مگر اينكه خداوند بهشت را بر او واجب كرده و گناهانش را مى‏آمرزد» .٩٦

سخنى با حسين عليه‌السلام

«حسين ! اى پرچم خونين حق بر دوش،

حسين ! اى انقلابى مرد

حسين ! اى رايت آزادگى در دست،

در آن صحراى سرخ و روز آتشگون‏

قيام قامتت در خون نشست، اما

پيام نهضتت برخاست‏

از آن طوفان در روز عاشورا،

به دشت «نينوا» ناى حقيقت از «نوا» افتاد

ولى ...

مرغ شباهنگ حقيقت ، از نواى ناله «حق ، حق » نمى‏افتد».

سلام بر تو ، اى حسين !

سلام بر خط شفقگون كربلا، كه خون تو را، اى خون خدا همواره بر چهره افق مى‏پاشد و غروب هنگام، سرخى آسمان مغرب را به شهادت مى‏گيرد ، تا آن جنايت هولناك را هر چه آشكارتر بنماياند و چشم تاريخ را بر اين صحنه هميشه خونين بدو زد و گوش زمان را از آن فريادها تندر گونه آن عاشوراى دوران ساز، پر كند.

اى حسين ... اى عارف مسلّح !

كربلاى تو، عشق را معنى كر دو انقلاب تو اسلام را زنده ساخت و شهادت تو، حضور هميشگى در همه زمان‏ها و زمين‏ها بود.

اى حسين ... اى شراره ايمان !

اى حسين ... اى در سكوت سرخ ستم، شهر آشوب!

در بهت خاموشى و ترس، تلخابه فرياد را در حلقوم شب ريختى و با نامردان تبهكار ، مردانه در آويختى.

عاشوراى تو، انفجارى از نور و تابشى از حق بود كه بر «طور» انديشه‏ها تجلى كرد و «موسى خواهان» گرفتار در «تپه» ظلمت ظلم را از سرگردانى نجات بخشيد.

چه مى‏گويم؟ ... تو تاريخ را به حركت آوردى و زبان زمان را به سرودن حماسه‏هاى زيباى ايثار و جهاد و شهادت گشودى . لحظه لحظه تاريخ را عاشورا ساختى و جاى جاى سرزمين‏ها را كربلا...

خفته بوديم و بى خبر ... اما تو، اين «مصباح هدايت» و اى «كشتى نجات» گام خسته ما را به تلاش كشاندى و افسردگى يأسمان را به شور اميد مبدل ساختى و از سكوت و درنگ و وحشت ، به فرياد و هجوم و شجاعتمان رساندى و پاى كوفته و پر آبله ما را، تابام آگاهى و تا برج بيدارى فرا بردى. ٩٧

«اى حسين » ...

تو كلاس فشرده تاريخى .

كربلاى تو، مصاف نيست‏

منظومه بزرگ هستى است ،

طواف است.

پايان سخن

پايان من است

تو انتهاى ندارى ...٩٨

والسلام‏

-------------------------------------

پى نوشتها:

٨٥ وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج ١٠ ص ٣٩٣

٨٦ بحارالانوار , علامه مجلسى , ج ٤٤ ص ٢٨٤

٨٧ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ١٦٥

٨٨ منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ١٦٨

٨٩ جلاء العيون , علامهء مجلسى , ص ٤٦٢

٩٠ بحارالانوار , علامه مجلسى , ج ٤٤ ص ٢٩٣

٩١ وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج ١٠ ص ٣٩٧

٩٢ داستانهاى شگفت , آيت الله شهيد دستغيب , ص ٩

٩٣ اختيار معرفة الرجال , شيخ طوسى , ٨٩

٩٤ خلاصه اى از مقالهء نوشتهء جواد محدثى .

٩٥ موسوى گرمارودى .

فهرست مطالب

[مقدمه‏ 2](#_Toc21446359)

[فصل اول :آثار و بركات فردى سيدالشهدا عليه‌السلام 4](#_Toc21446360)

[١- چراغ هدايت و كشتى نجات 4](#_Toc21446361)

[‏٢- محبت مكنون 6](#_Toc21446362)

[سيدالشهدا عليه‌السلام ، پدر امامان نه گانه‏ 8](#_Toc21446363)

[٤- شفاعت 10](#_Toc21446364)

[٥- دوستداران حسين و دوستان دوستداران او بهشتى‏اند 13](#_Toc21446365)

[۲-فصل دوم: آثار و بركات اخلاقى - تربيتى سيد الشهداء عليه‌السلام 15](#_Toc21446366)

[١- ايجاد اخلاق جديد در جامعه مسلمين‏ 15](#_Toc21446367)

[٢- احساس گناه در بين مسلمين 17](#_Toc21446368)

[٣-ازدياد محبوبيت سيد الشهداء عليه‌السلام و خاندان وحى‏ 19](#_Toc21446369)

[فصل سوم: آثار و بركات سياسى - اجتماعى سيد الشهدا عليه‌السلام 21](#_Toc21446370)

[١- بقاى شريعت اسلام 21](#_Toc21446371)

[٢- تفسير و احياى اسلام و امر به معروف و نهى ازمنكر 25](#_Toc21446372)

[٣- دميدن روح استقامت و آزاديخواهى 29](#_Toc21446373)

[٤- قيام حسينى الگوى قيامهاى مقدس ديگر 31](#_Toc21446374)

[٥- بيدارى خفتگان 36](#_Toc21446375)

[٦- شكست يزيدو يزيديان‏ 41](#_Toc21446376)

[٧- رهايى از جهالت و ضلالت 43](#_Toc21446377)

[۴-فصل چهارم: آثار و بركات زيارت سيدالشهداء عليه‌السلام 46](#_Toc21446378)

[سخنى پيرامون زيارت سيدالشهدا عليه‌السلام 46](#_Toc21446379)

[١- آرامش بخشيدن به زائر 49](#_Toc21446380)

[٢- در امان خدا بودن 50](#_Toc21446381)

[٣- زائر خدا محسوب شدن 51](#_Toc21446382)

[٤- برآورده شدن حاجات و دفع پريشانى 52](#_Toc21446383)

[٥- زيادتى در عمر و رزق 53](#_Toc21446384)

[٦- آمرزش گناهان 54](#_Toc21446385)

[٧- محسوب نشدن ايام زيارت از عمر زائر 55](#_Toc21446386)

[٨- حفاظت زائر در دنيا و آخرت 56](#_Toc21446387)

[٩- عنايت و توجه سيدالشهدا عليه‌السلام 57](#_Toc21446388)

[١٠- خير و بركت زياد 58](#_Toc21446389)

[١١- برابرى زيارت قبر حسين عليه‌السلام با حج 59](#_Toc21446390)

[١٢- نام زائر در اعلى عليين ثبت مى‏شود 60](#_Toc21446391)

[١٣- غرق شدن در رحمت الهى 61](#_Toc21446392)

[١٤- دعاى معصومين براى زائر 62](#_Toc21446393)

[١٥- تجلى خدا 63](#_Toc21446394)

[١٦- سعادت 64](#_Toc21446395)

[١٧- تأثير زيارت در روز عاشورا 65](#_Toc21446396)

[١٨- قرار گرفتن در جوار پيامبر و على و فاطمه عليه‌السلام امام صادق عليه‌السلام 66](#_Toc21446397)

[١٩- تأثير زيارت در روز قيامت 67](#_Toc21446398)

[٢٠- رهايى از شدايد قيامت 68](#_Toc21446399)

[٢١- نجات از آتش جهنم 69](#_Toc21446400)

[۵-فصل پنجم : آثار و بركات مرقد شريف سيدالشهداء عليه‌السلام 71](#_Toc21446401)

[سخنى پيرامون مرقد سيدالشهدا عليه‌السلام 71](#_Toc21446402)

[١- مرقد حسينى ، نيروبخش است 75](#_Toc21446403)

[٢- محل نزول فرشتگان الهى 76](#_Toc21446404)

[٣- نماز قبول مى‏شود 77](#_Toc21446405)

[٤- تمام خواندن نماز 78](#_Toc21446406)

[٥- اجابت دعا و برآورده شدن حاجت 79](#_Toc21446407)

[۶-فصل ششم : آثار و بركات تربت پاك سيد الشهداءعليه‌السلام 80](#_Toc21446408)

[سخنى پيرامون تربت سيدالشهدا عليه‌السلام 80](#_Toc21446409)

[١- تأثير تماس اعضاى بدن با تربت 82](#_Toc21446410)

[٢- سجده بر تربت 83](#_Toc21446411)

[٣- شفا يافتن 85](#_Toc21446412)

[‏٤- تأثير كام برداشتن اطفال با تربت 88](#_Toc21446413)

[٥- تأثير تربت حسين ، همراه جنازه 89](#_Toc21446414)

[٦- تسبيح تربت 90](#_Toc21446415)

[۷-فصل هفتم : آثار و بركات عزادارى و گريه بر سيدالشهداء عليه‌السلام 91](#_Toc21446416)

[سخنى پيرامون عزادارى و گريه بر سيدالشهدا عليه‌السلام 91](#_Toc21446417)

[١- حفظ رمز نهضت حسينى 95](#_Toc21446418)

[٢- ازدياد محبت به امام، و تنفر از دشمنان آن حضرت 97](#_Toc21446419)

[٣- آشنايى با حقيقت دين و نشر آن 98](#_Toc21446420)

[٤- آمرزش گناهان 99](#_Toc21446421)

[٥- سكونت در بهشت 100](#_Toc21446422)

[٦- شفا يافتن 101](#_Toc21446423)

[٧- گريه كننده بر حسين، در قيامت گريان نيست 103](#_Toc21446424)

[٨- امان از سكرات موت و آتش دوزخ 104](#_Toc21446425)

[٩- تأثير شعر سرودن در عزاى حسينى 106](#_Toc21446426)

[فهرست مطالب 109](#_Toc21446427)